

تأثیر تحریم‌های ایالت متحده آمریکا بر روابط اقتصادی دو جانبه ایران و روسیه

مسعود اخوان کاظمی^۱

سارا زارع*

صابر قیاسی^۳

۷

چکیده

با بررسی تاریخ روابط دو کشور ایران و روسیه در می‌یابیم که علل و چگونگی فراز و نشیب تعاملات ایران و روسیه متأثر از تفاوت نگاه متقابل و سطح ادراک دو کشور از روابط دوجانبه بوده است. بدین معنا که نگاه روسیه به ایران در بسیاری از مواقع، تاکتیکی و ابزاری و در سطح مسایل منطقه‌ای و دوجانبه بوده و نگاه ایران به روسیه، اغلب در سطح مسایل کلان و از منظری استراتژیک بوده است. همچنین از نظر نباید دور داشت که روابط ایران و روسیه همواره با نگرشی امنیتی همراه بوده است که بر تمام زمینه‌های اقتصادی و سیاسی روابط آنها سایه افکنده و همچنان سنگینی می‌کند. ایران و روسیه علیرغم وجود ذهنیت‌های مشوش از یکدیگر در حوزه‌های مختلف، روابط خویش را با شدت و ضعف ادامه داده‌اند. در این زمینه، تحریم‌های آمریکا علیه ایران نیز بر روابط اقتصادی دو کشور تأثیرگذار بوده است. نگارندگان در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش می‌باشند که تحریم‌های آمریکا چه تأثیری بر روابط اقتصادی دو کشور ایران و روسیه داشته است؟ پاسخ احتمالی به پرسش مطرح شده، این است که روسیه تا پیش از برجام همگام با اعمال تحریم‌های غربی علیه ایران، همسو با آمریکا بوده است، اما بعد از خروج آمریکا از برجام، روابط اقتصادی ایران و روسیه تقویت گردیده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و منابع الکترونیکی انجام شده است.

واژگان کلیدی: تحریم‌های آمریکا، ایران، روابط اقتصادی، برجام، فدراسیون روسیه



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و سوم

پاییز ۱۳۹۸

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی.

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه رازی.

* ghazalzare1370@gmail.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و سوم، صص ۵۱-۷

مقدمه

با توجه به وابستگی متقابل دولت‌ها بویژه در زمینه اقتصادی، تحکیم و گسترش مبادلات بین‌المللی از اهمیت ویژه سیاسی و اقتصادی برخوردار است. از همین رو دولت‌های مختلف از اعمال محدودیت‌های اقتصادی برای مقاصد سیاسی خود علیه کشورهای هدف استفاده می‌کنند. اعمال تحریم‌ها ابزاری برای رسیدن به اهداف و مقاصد سیاسی است و پیشینه کاربرد آن به قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد. آمریکا و اتحادیه اروپا بعد از انقلاب اسلامی، به ویژه در سال‌های اخیر، به منظور دستیابی به اهدافی خاص در سیاست خارجی، به طور فزاینده‌ای از سیاست تحریم اقتصادی علیه ایران استفاده کرده‌اند و بیشتر تحریم‌ها تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه ایران و به پرونده هسته‌ای ایران مربوط بوده است. قطعاً همچنین رفع آن‌ها، بر اقتصاد این کشور و کشورهای منطقه و جهان تأثیرات مختلفی خواهد داشت. پیوستگی عمیق اقتصادی میان کشورها و بنگاه‌های اقتصادی، وجود امکانات ابزارهای ارتباطی پیشرفته برای کنترل مبادلات تجاری، مالی، پولی و امکان بهره‌گیری از ابزارهای مختلف برای اعمال فشار بر بنگاه‌های اقتصادی، از جمله عواملی است که از یک طرف در کارآمدی تحریم اقتصادی علیه یک کشور مؤثر است و درجه موفقیت آن را بالا می‌برند و از طرف دیگر بر ناکارآمدی تحریم‌ها هم تأثیر می‌گذارند.

همانطور که می‌دانیم، جمهوری اسلامی ایران تقریباً از بدو شکل‌گیری مورد تحریم آمریکا و متحدان این کشور قرار داشته، اما از سال ۱۳۸۴ به بهانه غنی‌سازی اورانیوم، این تحریم‌ها وارد دور تازه‌ای شد. اظهارات مکرر مقامات آمریکایی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که به زعم آمریکا، برنامه هسته‌ای ایران چالشی جدی برای منافع و امنیت آمریکا و اسرائیل و حتی ثبات خاورمیانه ایجاد کرده‌است. در سال‌های اخیر تنش‌های میان ایران و آمریکا وارد فاز تازه‌ای شد که با گذشته تفاوت جدی دارد. امروزه آمریکا تمام توان سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی خود را بکار گرفته تا بتواند با مشارکت سایر کشورها، ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های خود بنماید. این کشورها با سیاسی کردن پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تهدید به کشاندن آن به شورای امنیت، تاکنون قطعنامه‌های ۱۹۲۹ (۲۰۱۰)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، و

۱۷۳۷ (۲۰۰۶) سازمان ملل را علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسانده‌اند. علاوه بر قطعنامه‌های مذکور، آمریکا، اروپا، ژاپن، کانادا، استرالیا و برخی کشورهای دیگر نیز تحریم‌های یک جانبه‌ای را علیه ایران به اجرا گذاشته‌اند که فراتر از قطعنامه‌های سازمان ملل می‌باشند. همچنین، سایر کشورها برای تحدید روابط اقتصادی خود با ایران، تحت فشار آمریکا قرار دارند.

علاوه بر این، اعمال تحریم‌های جدید بر ایران، مسیرهای محدود همکاری‌های اقتصادی میان ایران و روسیه را با دشواری‌ها و دست‌اندازهای جدیدی مواجه کرده است. بلافاصله پس از اعلام خروج آمریکا از برجام، شرکت‌های نفتی روسیه از مشارکت در طرح‌های خود در ایران دست کشیدند و مانند بسیاری از شرکت‌های غربی از بازار ایران خارج شدند. طی دوره کوتاه پس از توافق برجام تا زمان خروج آمریکا از این توافق، ایران و روسیه کوشیدند که به شیوه‌های مختلف، سطح همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور را افزایش دهند. اما خروج آمریکا از برجام، شرایط را برای تداوم این همکاری‌ها دشوار ساخته است. بدین منظور، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که تحریم‌های ایالات متحده آمریکا چه تأثیری بر روابط اقتصادی دو کشور ایران و روسیه داشته است؟ پاسخ احتمالی به پرسش مطرح شده این است که روسیه در اعمال تحریم‌های غربی علیه ایران، تا پیش از برجام همسو با ایالات متحده آمریکا بوده است؛ اما بعد از خروج آمریکا از برجام، روابط اقتصادی ایران و روسیه تقویت گردیده است.

اول) چارچوب نظری:

۱. دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی یک موضوع میان رشته‌ای با زمینه‌های اقتصاد بین‌المللی، اقتصاد سیاسی و ادبیات روابط بین‌الملل است. توجه به دیپلماسی اقتصادی، با هدف نفوذ بر فعالیت‌های اقتصادی برون مرزی است که توسط دولت‌ها و بازیگران غیردولتی دنبال و پیگیری می‌شود. دیپلماسی اقتصادی از روابط و نفوذ به منظور تحریک کردن تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌الملل، پوشش دادن محدوده وسیعی از نمایندگان بین‌المللی (از قبیل

سفارت‌خانه‌ها، کنسول‌گری‌ها و سایر امکانات و و نهادهای داخلی، مانند دفاتر توسعه سرمایه و صادرات) و نیز فعالیت‌های دو جانبه دیپلماتیک (از قبیل تجارت و ملاقات نمایندگان دولت‌ها) استفاده می‌کند (Selwyn, 2013). از این منظر، اهداف دیپلماسی اقتصادی را می‌توان به شرح زیر برشمرد (دانش‌نیا، ۱۳۹۱):

- دسترسی به بازارهای جهانی تولید، تجارت و کسب سهمی از آنها؛
- جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم خارجی؛
- محافظت از اقتصاد ملی در مقابل چالش‌های اقتصاد جهانی.

واعظی، الزامات رفتاری برای دستیابی به اهداف در دیپلماسی اقتصادی را توجه به عرف و هنجارهای بین‌المللی و ضرورت تعامل با اقتصاد جهانی برای تحقق توسعه؛ پیگیری اهداف از طریق اقناع و مجموعه‌سازی؛ از بین بردن تصویر امنیتی و پرهیز از رویکرد تقابلی و دشمن‌آفرینی؛ همکاری در ایجاد و هدایت فرایندهای منطقه‌ای؛ ارائه تعریف جمعی از خود در محیط بین‌الملل و کانونی کردن مجموعه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در پیگیری و تعقیب اهداف ملی می‌داند (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۵).

علاوه بر این، استفاده از مؤلفه‌های چانه‌زنی موثر، گرایش سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌ها در خارج از کشور به مسائل اقتصادی و تجاری، و تلاش برای عملی ساختن طرح‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی، در شکل‌گیری یک دیپلماسی اقتصادی منسجم و مؤثر اهمیت اساسی دارند. هدف عمده دیپلماسی اقتصادی کمک به توسعه اقتصاد ملی است و کارکرد اصلی آن جستجوی اهداف اقتصادی با معیارهای دیپلماتیک است (Ploae, 2010). مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف دیپلماسی اقتصادی به ویژه برای کشورهای در حال توسعه، تسهیل فضای کسب و کار تجاری، جذب سرمایه، توریسم، بهبود تصویر کشور و دستیابی به تکنولوژی و علم دانش است (Naray, 2008).

در گام اول برای ایجاد و پیشبرد دیپلماسی اقتصادی، حل تنش‌های میان امور سیاسی و اقتصادی، حل تنش میان فشارهای بین‌المللی و داخلی و تنش‌های حکومت و سایر کنشگران (باین و وولکاک، ۱۳۸۸: ۱۷) ضرورت دارد. در ادامه و در صورت توافق میان

کشورها، می‌توان به کاربرست دیپلماسی اقتصادی در عمل پرداخت که در نوشتار پیش‌رو با استفاده از نظریه نوواقع‌گرایی بدان پرداخته شده است.

۲. نوواقع‌گرایی

ارائه مبانی نظری، به عنوان چارچوب فهم و تبیین منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی، همواره یکی از دغدغه‌های اساسی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بوده است. واقع‌گرایی که از دهه ۱۹۴۰ میلادی به وجود آمد، تا امروز همچنان پارادایم مسلط در روابط بین‌الملل باقی مانده است. هر چند واقع‌گرایی در طول زمان شکل خود را عوض کرده است، این توانایی دگرگونی یکی از دلایل اصلی تداوم هژمونی واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل است. اما در خلال دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، واقع‌گرایی مورد تهاجم قرار گرفت. دقیق‌ترین پاسخ به منتقدان واقع‌گرایی، از سوی کنت والتز صورت گرفت. از نظر والتز، الگوی مسلط روابط بین‌الملل موازنه قوا است. بنابراین یک نظریه خوب روابط بین‌الملل، نظریه‌ای است که موازنه در کل مواردی که رخ میدهد را توضیح دهد (Waltz, 1979: 65). او معتقد است که اهمیت موضوع نه تنها در ویژگی واحدهای سیستم، بلکه در ساختارهای خود سیستم نهفته است. به عبارت دیگر، مواردی در ساختارهای روابط بین‌الملل وجود دارد که سبب می‌شود دولت به روشی که می‌خواهد، عمل کند (Ibid, 67). بنابراین، تحول جذابی که در دوران اخیر در روابط بین‌الملل رخ داده، بازسازی واقع‌گرایی بوده است. برای اغلب نوواقع‌گرایان، یک رهیافت ساختاری در اولویت قرار دارد و والتز مصراً معتقد است که یک نظریه سیاست بین‌الملل تنها در سطح ساختاری می‌تواند شکل گیرد (Krasner, 1982: 497).

پس از مرگ هانس مورگنتا در جولای ۱۹۸۰، مکتب جدیدی در سیاست بین‌الملل ظهور کرد که نئورئالیسم نام گرفت. مهم‌ترین اندیشمند این مکتب، کنت والتز است که با انتشار کتاب "نظریه سیاست بین‌الملل" اصلاحاتی در واقع‌گرایی مورگنتا اعمال کرده و در تحلیل نظم و ناامنی بین‌المللی کوشیده است (نصری، ۱۳۸۶، ۲۱۵). والتز در این کتاب نظریه نئورئالیسم خود را ارائه می‌دهد که به واقع توضیحی ساختاری و سیستمیک از سیاست بین‌الملل است. او سیاست بین‌الملل را قلمرو ضرورت و

سیاست قدرت معرفی می‌کند (سعیدی، ۱۳۹۵: ۱۵). نئورئالیسم متأثر از دیدگاه‌های کنت والتز سعی دارد نظریه‌ای کل‌گرا برای فهم سیاست بین‌الملل ارائه کند.

بسیاری از متخصصان معتقدند که نظریه‌های نئورئالیسم بهترین تبیین را از روابط و معادلات موجود در صحنه جهانی و منطقه‌ای ارائه می‌دهد. یکی از کاربردهای این نظریه، استفاده از آن برای تبیین توازن قدرت موجود و تلاش‌هایی است که برای حفظ یا تغییر آن از سوی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی صورت می‌گیرد (Guoji, 2001: 3). نئورئالیسم با تأکید بر مسئله سیستم، بهترین روش را تحلیل فرآیند مسئله قدرت می‌داند. فرآیندهای قدرت در ارتباط با مفاهیمی همچون امنیت، قدرت نسبی، ساختار، بقاء و... تعریف می‌گردند؛ رهیافتی که رفتار دولت‌ها در نظام بین‌الملل را تحت تأثیر کنش ساختارهای متعارض نظام بین‌الملل تحلیل می‌کند. این نظریه بر فرآیند شکل‌گیری معمای امنیت تمرکز دارد. از جهت اینکه نئورئالیسم، ساختار بین‌الملل را آنارشیک مفروض می‌دارد، و پیش فرض آن بر نبود دولتی هژمونیک که امنیت جهان را تأمین - کند، مبتنی است، لذا دولت‌ها مجبور هستند جهت بقای خود از اصل خودیاری بهره جویند. نئورئالیسم به این مسئله که افزایش قدرت یک دولت به کاهش قدرت دولت دیگر می‌انجامد، اذعان دارد. از این نظر، معمای امنیت در یک فضای آنارشیک هرج و مرج گونه است که به صحنه می‌آید (Resende, Santos, 2007: 56).

بر پایه‌ی آموزه‌های این رویکرد، تضاد و کشمکش عنصر اصلی روابط و مناسبات میان دولت‌هاست. این امر نشأت گرفته از ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل است. در ساختاری که قدرتی فراتر از سایر دولت‌ها وجود ندارد که از اقدامات تهاجمی سایر دولت‌ها ممانعت به عمل آورد، دولت‌ها همواره نگران اقدامات و نیات تهاجمی سایر بازیگران می‌باشند و هرگونه تلاش جهت تأمین امنیت، از سوی دیگری تهدید قلمداد می‌شود و این امر از ذات آنارشیک نظام نشأت می‌گیرد (Rittberger, 2001: 39).

الف) رویکرد نواقع‌گرایی در قبال ساختار نظام بین‌الملل

در نظریه والتز، ساختار مولفه‌ای «نظام گستر» است که امکان می‌دهد راجع به نظام بین‌الملل به عنوان یک کلیت اندیشیده شود. در تحلیل ساختار باید خصوصیات واحدها،

رفتار و کنش‌های متقابل آنها را کنار بگذارند یا از آنها انتزاع کنند. بر این اساس، ساختار در وهله اول با تعامل واحدها شکل می‌گیرد؛ اما بعد از شکل گرفتن، رفتار دولت‌ها را تعیین می‌کند. همچنین ساختار بر اساس ترتیب اجزا تعریف می‌شود و تغییرات در این ترتیبات است که می‌تواند به تغییر ساختاری منجر شود و نه تغییر در سطح واحدها. در نتیجه، با توجه به آنکه واحدهای ملی در نظام بین‌الملل از قدرت یکسانی برخوردار نیستند، لذا سلسله مراتبی از قدرت در متن نظام بین‌الملل مشهود است. در حال حاضر، آینده نظام بین‌الملل بر مبنای دیدگاه‌های مختلف، نظامی هژمونیک (مبتنی بر هژمونی آمریکا)، تک قطبی و یا چند قطبی سلسله مراتبی تفسیر می‌شود. با توجه به سلسله مراتبی بودن نظام بین‌الملل، دولت‌ها را از لحاظ سیاسی می‌توان به پنج دسته تقسیم نمود: ابرقدرت، قدرت بزرگ، قدرت متوسط، قدرت کوچک و ریز قدرت (Peterson and Tierney, 2005: 231)

از طرفی، بر اساس نظر والتز، همه کشورها در دو مؤلفه ساختارهای سیاسی، یعنی اصل نظم دهنده (ثابت بودن آنارشی و فقدان مرجع اقتدار مرکزی) و اصل تمایز کارکردهای واحدها (شباهت کشورها در بقا و تأمین امنیت) با هم مشترک هستند و هیچ گونه تفاوتی از این لحاظ در نظام‌های سیاسی جهان وجود ندارد؛ اما تنها تفاوت عمده میان دولت‌ها ناشی از توزیع توانمندی‌های آنان می‌باشد که تغییر در این اصل، موجب تغییر در ساختار نظام بین‌الملل می‌شود. با تغییرات ساختار می‌توانیم چگونگی رفتار واحدهای نظام و نیز پیامد تعاملات آنها را پیش‌بینی کنیم. در نظام بین‌الملل، واحدها معمولاً عملکرد متفاوتی را به نمایش می‌گذارند. دلیل این دوگانگی به تفاوت در توانمندی‌های واحدها باز می‌گردد (Waltz, 2012). با این اوصاف، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های نظام بین‌الملل می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- عنصر و عامل اصلی تشکیل‌دهنده و به وجودآورنده نظام بین‌الملل، کشورها هستند.

۲- محور و هسته اصلی نظام بین‌الملل، روابط و اعمال متقابل سایر کشورها را تحت نفوذ و تأثیر خود قرار می‌دهد و مرکز ثقل نظام و سیاست بین‌المللی به شمار می‌آید (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۲).

بدین ترتیب، برخلاف دیدگاه‌های سنتی و قدیمی که سیاست خارجی را ادامه سیاست داخلی می‌دانستند، در نظریه نو واقع‌گرایی، ساختار نظام بین‌الملل و قدرت فائده در آن، از نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی کشورها و نحوه تعامل آنها با یکدیگر بر خوردار است. در واقع، ساختار سیستم بین‌المللی تعیین‌کننده شکل و ماهیت همکاری‌های بین‌المللی است و قدرت مسلط آن می‌تواند نقش به‌سزایی در روابط کشورها با یکدیگر ایفا نماید. در حقیقت، تمرکز قدرت در دست هژمون است که نظم و ساختارهای سیستم و روابط قدرت نامتقارن را شکل می‌دهد. همچنین این امر باعث می‌شود که روابط کشورهای ثالث با یکدیگر نیز تحت تاثیر سیاست‌های قدرت هژمون قرار گیرند.

ب) مدل تحلیلی رفتار غرب از منظر نوواقع‌گرایی

بحث تحریم همواره در رابطه میان ایران و غرب سنگینی کرده و بویژه از سال ۲۰۰۲ به این سو و با بحران هسته‌ای ایران، تحریم‌ها و مجازات‌ها به چالشی اساسی میان ایران و غرب تبدیل شده است. نوواقع‌گرایان برای تحلیل این‌گونه برخوردهای غرب و کنش ایران، در ارائه مدل‌هایی تلاش کرده‌اند. در نگاه نوواقع‌گرایان، اصلی‌ترین فرض، نگرانی امنیت است و بر این مبنا روابط بین‌الملل را با سیاست کشورهای قدرتمندتر در مقابل کشورهای ضعیف توضیح می‌دهند. این نظریه، بر اهمیت ساختار سلسله‌مراتبی بین‌المللی بر رفتار کشورها تأکید نموده و فرض می‌کند که کشورها عواملی یک‌پارچه در این فضا هستند. همچنین فقط بر عوامل مادی تأکید دارد و به‌هیچ‌شکل به مسئله هنجارها، اعتقادات و ارزش‌های حاکم بر دیگر جوامع اهمیتی داده نمی‌شود.

اصلی‌ترین عامل در افزایش تحریم در سال‌های اخیر، بحث انرژی هسته‌ای ایران و نگرانی غرب در رابطه با منع گسترش تسلیحات بوده است. از دید نوواقع‌گرایی، در این باره چنین عنوان می‌شود که واکنشی شدیدتر در قبال نقض منع گسترش ضروری است. از این منظر، نقض منع گسترش توسط دشمن، با واکنشی شدیدتر از نقض آن توسط متحدان مواجه خواهد شد. اگر کشورهای بزرگ به رفتارهای خصمانه روی آورند، در مقایسه با کشورهای کوچک سریع‌تر به‌عنوان تهدید درک می‌شوند. اما کشور-

های بسیار کوچک نیز ممکن است به دلیل دخالت در فعالیتهای تروریستی یا گسترش توان اتمی، تهدید تلقی شوند. به این ترتیب، جدا از اندازه، اهداف و توانایی‌های یک کشور در حوزه قدرت نظامی یا اقتصادی، توازن ایجاد خواهد شد.

در زمره به‌عنوان یکی از نواقع‌گرایان عنوان می‌کند که انتظار کشورها برای درگیری در آینده و هزینه‌های احتمالی که ممکن است در صورت ایجاد بن‌بست بردازند، دلایل اصلی برای اعمال و موفقیت تحریم هستند. وی از نوعی پارادوکس تحریم صحبت می‌کند که در آن، اگر وضع بر همین شکل بماند، کشورهای اعمال‌کننده تحریم، برای اعمال زور بر کشورهای دشمن آماده‌اند؛ اما تمایلی به اعمال آن علیه کشورهای متحد ندارند (بالازاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۰-۷۱). پارادوکس در اینجا است که تحریم‌ها غالباً در مقابل کشورهای متحد موفق‌تر از کشورهای دشمن است؛ زیرا به دلیل منفعت نسبی که در این میان مطرح است، متحدان آسان‌تر از دشمنان تسلیم می‌شوند. از سوی دیگر، کشور دشمن احساس می‌کند که در صورت تسلیم نه تنها جایگاه خود را در مذاکرات از دست خواهد داد، بلکه مستقیماً دستاورد نسبی کشور اعمال‌کننده را افزایش داده و به این ترتیب به افزایش اهرم‌های آن کشور در مجادلات آینده کمک خواهد کرد. به همین دلیل، دشمنان به‌سادگی به درخواست‌های تحریم تن نمی‌دهند (ولی زاده، ۱۳۹۰: ۲۸۱).

بحث دیگر نواقع‌گرایی در مورد هزینه‌های مالی و اقتصادی ناشی از تحریم از منظر غرب است. هرچه میزان هزینه‌های مورد انتظار (فوری یا در آینده) کمتر باشد، احتمال بررسی تحریم به‌عنوان یک گزینه مطلوب بیشتر می‌شود. هرچه هزینه بیشتر باشد، احتمال اعمال تحریم کمتر می‌شود. در مطالعات پیشین این نتیجه حاصل شده است که زمانی که منافع آمریکا تهدید می‌شود، هزینه‌های اقتصادی مانع از اعمال تحریم توسط این کشور نشده است (بالازاده، ۱۳۹۴: ۷۱). نواقع‌گرایان در رابطه با منع گسترش و تحریم، به اصول زیر پایبندند:

۱- هرچه کشور ناقض از نظر راهبردی اهمیت کمتری داشته باشد، احتمال تحریم آن کمتر خواهد شد و اقدامات احتمالی نیز سبک‌تر خواهند بود و هرچه آن کشور از نظر راهبردی بااهمیت‌تر باشد، احتمال تحریم بیشتر خواهد شد؛

۲- هرچه کشور ناقض قواعد و ساختار بین‌الملل، تهدید مهم‌تری برای قدرت‌های بزرگ به‌ویژه اتحادیه اروپا یا آمریکا باشد، احتمال تحریم آن در صورت بی‌توجهی به منع گسترش بالاتر خواهد رفت؛

۳- دشمنان احتمالاً شدیدتر از متحدان تحریم خواهند شد. احتمال ارائه مشوق به متحدان، بیشتر از دشمنان است؛

۴- هزینه اعمال تحریم برای جلوگیری از گسترش نافرمانی، در قیاس با جنگ، منفعت اقتصادی بیشتری دارد و ارزان‌تر است؛

۵- هرچه یک کشور از نظر تجاری، بازار، مالکیت نفت یا انرژی هسته‌ای و یا مجاورت جغرافیایی اهمیتی بیشتر داشته باشد، بدون توجه به نقض احتمالی منع گسترش، احتمال اقدامات منفی کمتر خواهد شد (ولی زاده، ۱۳۹۰: ۲۸۵).

در ارتباط میان نواقع‌گرایی و تحریم ایران از سوی غرب، شایان توجه آنکه نواقع‌گرایان پیگیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران و حمایت از گروه‌های اسلامی همانند حزب‌الله لبنان، در منطقه خاورمیانه و سایر مناطق را تهدیدی علیه آمریکا و غرب می‌دانند. در واقع، آنچه برای نواقع‌گرایان همیشه اهمیت داشته است، دغدغه امنیت است. نواقع‌گرایان با تحریم‌های مختلف در مجاب کردن ایران برای دست‌کشیدن از فعالیت‌های خود که منافع غرب را تهدید می‌کنند، تلاش کرده‌اند. از آنجایی که ایران به‌عنوان یک کشور دوست تلقی نمی‌شود و مبادلات تجاری زیادی با آمریکا ندارد، در نتیجه به‌راحتی به این تحریم‌ها تن نداده و به مقابله با آن پرداخته است. به دلیل همین پایین بودن سطح مبادلات تجاری و اقتصادی ایران با غرب به‌ویژه آمریکا و اسرائیل است که این کشورها بر اعمال حداکثری تحریم‌ها تلاش دارند؛ زیرا هیچ‌گونه آسیبی از نظر قطع رابطه اقتصادی بدان‌ها نمی‌رسد؛ چرا که رابطه زیادی با آن ندارند.

در این میان، روسیه به دلیل داشتن منافع بیشتر نسبت به غرب در ایران، در ایجاد توازن در این تحریم‌ها و جلوگیری از جنگ تلاش دارد. پس از دید نواقع‌گرایان تا زمانی که دغدغه امنیت بر طرف نشود و حجمی از مبادلات تجاری و اقتصادی که ضامنی برای جلوگیری از تنش باشد ایجاد نشود، دامنه تحریم و وادارسازی ادامه خواهد یافت. از سوی دیگر، کشور ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی در منطقه و همچنین نظام

دینی مردم سالار حاکم بر آن، که می‌تواند الگویی برای سایر جوامع مسلمان تلقی شود، برای غرب اهمیت دارد و در واقع، تهدید و خطری بزرگ محسوب می‌شود و از اینروست که شاهد تحریم و واکنش شدید آنان در قبال ایران هستیم.

دوم) تحریم‌های بین‌المللی تحت رهبری آمریکا علیه ایران

تحریم به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یک دولت، توسط دولت دیگر به مورد اجرا گذاشته می‌شوند که شامل عمل هماهنگ به وسیله گروهی است که متضمن امتناع از داشتن روابط تجاری یا هرگونه رابطه‌ای با شخص یا گروه دیگر با هدف مجازات و یا جبران زیانها باشد (Zahrani, 17: 1997). تحریم، تدابیر قهرآمیزی است که توسط کشور یا گروهی از کشورها، علیه کشوری که به قوانین بین‌المللی تجاوز کرده یا از معیارهای اخلاقی مقبول تخطی کرده باشد، اعمال می‌شود. هدف تحریم‌کننده (یا تحریم‌کنندگان) آن است که کشور متخلف را مجبور کنند تا دست از اعمال خود بردارد یا حداقل برای پایان دادن به رفتار غیرقابل قبول خود، پشت میز مذاکره بنشیند (Aghabakhshi & Afsharirad, 1995: 213). امروزه تحریم به‌عنوان یک راهبرد برای آغاز فشارهای اقتصادی، در جریان خصومت‌ها و با اهدافی متفاوت فرض می‌شود که در مواقعی به صورت اقدامات قهری «به جز جنگ» ابزاری چندمنظوره در دیپلماسی بازدارنده و یک راهبرد محرک برای تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور هدف، یا حتی مقدمه‌ای برای جنگ می‌باشد (Zahrani, 1997: 17).

نخستین تحریم جامع سراسری علیه ایران در دوران معاصر، تحریم بریتانیا علیه ایران به منظور واکنش در برابر انتخاب دکتر مصدق بود، که هدف ملی‌سازی صنعت نفت را دنبال می‌کرد. آمریکا در سال ۱۹۸۰ تحریم‌های اقتصادی وسیعی را در واکنش به تصرف سفارت آمریکا در تهران علیه ایران وضع کرد. در سال ۱۹۹۵ بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، اقدام به وضع تحریم‌هایی نمود که به موجب آن، شرکت‌های نفتی آمریکایی از سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز ایران منع شدند. همچنین روابط بازرگانی با ایران نیز یک‌جانبه قطع گردید (<http://Fa.wikipedia.com>).

تاکنون هیچ یک از تحریم‌هایی که طی دو سه دهه گذشته و با محوریت آمریکا بر ایران تحمیل شده‌اند، نه تنها لغو نشده یا کاهش نیافته‌اند، بلکه به مرور بر شدت و ابعاد این تحریم‌ها افزوده شده است. در حال حاضر نیز، ایران با بی سابقه‌ترین تحریم‌ها در تاریخ خود روبروست؛ به طوری که می‌توان درباره آن‌ها، اصطلاح جنگ اقتصادی را به کار برد. تحریم‌ها، بلوکه کردن دارایی‌ها، تعلیق کمک‌ها، ممانعت از سرمایه‌گذاری یا ورود سایر سرمایه‌ها و مصادره اموال و دارایی‌های یک کشور، از نمونه‌های مصادیق معمول جنگ اقتصادی می‌باشند. هدف از جنگ اقتصادی، تضعیف اقتصاد یک کشور از طریق ممانعت و دسترسی به منابع فیزیکی، مالی و تکنولوژیک یا به عبارتی دیگر، ممانعت از بهره‌مندی از منافع ناشی از مبادلات تجاری، مالی و تکنولوژیک با سایر کشورهاست.

در حالیکه تا قبل از سال ۲۰۱۰، اروپایی‌ها و سایر کشورها تمایل چندانی به همراهی با آمریکا در تحریم ایران نداشتند، اما آمریکا به مرور توانست با به کارگیری ابزارهای مختلف، متحدان خود و بسیاری از کشورهای دیگر را مجاب کند تا در راستای فشار اقتصادی بر ایران، با این کشور همکاری کنند. هم اکنون بسیاری از متحدان آمریکا، شامل برخی از همسایگان ایران، ائتلافی غیر رسمی به رهبری آمریکا برای فشار بر ایران تشکیل داده‌اند. به نظر می‌رسد در مسئله تحریم ایران، تأثیرپذیری از فشار یا امتیازات آمریکا و تضعیف ایران در منطقه، از دلایل پیوستن کشورها به آمریکا و متحدان آنها بوده است. در جداول (۱)، (۲) و (۳) تلاش شده تا تمام تحریم‌های مصوب که تاکنون از مراجع مختلف و با اهداف مختلف علیه ایران وضع شده‌اند، جمع‌آوری، تلیخیص و در موارد مقتضی (همچون تحریم‌های آمریکا) با جزئیاتی بیشتر ارائه شوند. این موارد در سه بخش شامل تحریم‌های آمریکا، تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های اتحادیه اروپا گزارش شده‌اند (منظور و مصطفی پور، ۱۳۹۲).

در آگوست ۲۰۰۲ هنگامی که ادعا شد ایران دو پایگاه هسته‌ای مخفی ساخته است، همه نگاه‌ها متوجه ایران شد. این افشاگری‌ها باعث به راه افتادن یک تحقیق بین‌المللی به رهبری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد و در نهایت تحریم‌های فراگیر علیه ایران شکل گرفت و در آخر نیز یک توافق هسته‌ای به وجود آمد که از طریق آن، فرآیند حذف

همان تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵ کلید خورد (نفیو، ۱۳۹۷: ۲۵). آمریکا و برخی از متحدانش آگاهی کافی از نحوه فعالیت‌های ایران داشتند و از این آگاهی کافی، عملاً نگرانی‌هایی درباره برنامه هسته‌ای ایران به وجود می‌آمد؛ اگر چه این دانش جامع و کامل نبود و اطلاعات کافی در مورد اشخاص درگیر در آن وجود نداشت. بر اساس این دانش اطلاعاتی، آمریکا و متحدانش تلاش کردند. همکاری‌های هسته‌ای با ایران در طول سال‌های دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ را تضعیف کنند. همزمان با این تلاش‌ها، آمریکا تحریم‌های داخلی خود را بر ایران به بهانه برخی از اقدامات آسیب‌رسان، نظیر حمایت ایران از تروریسم، اعمال کرد. فرآیند اعمال این تحریم‌ها از سال ۱۹۸۴ شروع شد؛ یعنی سالی که آمریکا ایران را کشور حامی تروریسم نامید (همان، ۲۷).

از طرفی، طی دهه ۱۹۸۰ که ایران درگیر جنگ با عراق بود و در حاشیه آن، برخوردهایی بین نیروهای نظامی ایران و آمریکا در خلیج فارس صورت می‌گرفت، دولت رونالد ریگان محدودیت‌های تجاری جدیدی علیه ایران وضع کرد. تحریم‌های مشابهی در زمان جورج بوش پدر در سال ۱۹۹۲ رخ داد که به نام سیاست منع گسترش در ایران و عراق، ورود برخی کالاها به این دو کشور منع شد. در اواسط دهه ۱۹۹۰، دولت بیل کلینتون فاز جدیدی از فشارهای اقتصادی را علیه ایران آغاز کرد. بر اساس قانون تحریم‌های ایران-لیبی (قانون داماتو) که از سال ۱۹۹۶ به اجرا درآمد، برای سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در بخش انرژی ایران محدودیت ایجاد گردید و دولت موظف شد شرکت‌های خاطی را تحت مجازات قرار دهد. در اواخر این دهه و به تبع تحولات سیاسی ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶، دولت کلینتون گشایش‌هایی در باب مبادلات تجاری ایران ایجاد کرد (Takeyh and Maloney, 2011: 1300-1303).

برای بالا بردن اثر تحریم‌ها، آمریکا سعی کرد از اهرم فشار خود بر کشورهای دیگر استفاده کند؛ و آنها را تشویق کرد که از ایجاد فعالیت‌های جدید تجاری-اقتصادی با ایران بپرهیزند. این نگاه به صورت عالی در قانون تحریم‌های ایران و لیبی مصوب سال ۱۹۹۶ که به ایلسا معروف است، خود را نشان داد. این تحریم‌ها هر گونه سرمایه‌گذاری-های جدید در صنعت گاز و نفت ایران و لیبی را تحریم می‌کرد. در واقع قانون ایلسا

نقطه آغاز فرآیند تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا بر ایران بود که بعدها در برنامه جامع اقدام مشترک با ایران در سال ۲۰۱۵ خود را نشان داد (نقیو، ۱۳۹۷: ۲۸).

در ۹ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷)، چند روز پس از مقدمه سازی نتانیاهو نخست‌وزیر وقت اسرائیل، رئیس‌جمهور جمهوری خواه آمریکا، دونالد ترامپ اعلام کرد که آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک ۱+۵ (برجام) خارج می‌شود. رئیس‌جمهوری آمریکا مدعی بود که "جمهوری اسلامی ایران به توافق پایبند نبوده‌است. بر اساس بندی از قطعنامه ۲۲۳۱ که بعد از توافق هسته ای در شورای امنیت تصویب شد، جمهوری اسلامی ایران از آزمایش موشک بالیستیک با قابلیت حمل کلاهک اتمی منع شده‌است. با این حال، ایران در دو سال اخیر، چندین آزمایش موشک بالیستیک داشته‌است و موشک‌های ایران، در دست برخی از گروه‌های تروریستی و شورشی منطقه دیده شده‌اند". وی ضمن اعلام خروج واشینگتن از توافق ۲۳ تیر ۱۳۹۴ بین شش قدرت جهانی عضو گروه ۵+۱ با ایران، خاطر نشان کرد که "آمریکا با متحدان خود مذاکره می‌کند تا به یک تصمیم جدیدی برای جلوگیری از جاه طلبی مخرب ایران برسد" (<http://Fa.wikipedia.com>).

جدول شماره ۱. تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران

| دولت | تاریخ تصویب | موضوع تحریم | هدف تحریم (به زعم آمریکا) |
|-------|-------------|---|--|
| کارتر | ۱۹۷۹/۱۱/۴ | بلوکه کردن داراییهای دولت ایران | فشار به ایران برای آزاد کردن دیپلماتهای امریکایی |
| کارتر | ۱۹۸۱/۱/۲۳ | انتقال داراییهای دولت ایران | |
| کارتر | ۱۹۸۱/۱/۲۳ | دستورالعمل مرتبط با سند تضمینی | |
| کارتر | ۱۹۸۱/۱/۲۳ | دستورالعمل مرتبط با انتقال داراییهای خارجی ایران | |
| کارتر | ۱۹۸۱/۱/۲۳ | دستورالعمل مرتبط با انتقال داراییهای دولت ایران که دربانکهای این کشور نگهداری می‌شدند | |
| کارتر | ۱۹۸۱/۱/۲۳ | دستورالعمل انتقال داراییهای | |

| | | | |
|------------------|------------------|---|---|
| | خارجی دولت ایران | | |
| کارتر | ۱۹۸۱/۱/۲۳ | دستورالعمل مرتبط با انتقال داراییهای مالی دولت ایران که در نهادهای غیربانکی نگهداری می‌شوند | |
| کارتر | ۱۹۸۱/۱/۲۳ | مجوز انتقال یکسری داراییهای دولت ایران | توجه: احکام اجرایی مصوب ۱۹۸۱/۲/۲۶ و ۱۹۸۲/۱/۲۳ نتیجه توافق الجزایر و مذاکرات آزادسازی گروگانها هستند. بعضی از مواردی که ابتدا اعمال شده و سپس ابطال شده در اینجا قید نشده‌اند |
| کارتر | ۱۹۸۱/۲/۲۶ | عدم پیگیری ادعاهای گروگانها و همچنین اقدامات سفارت امریکا و جاهای دیگر | |
| وزارت امور خارجه | ۱۹۸۴/۱/۱۹ | محدودیت انتقال داراییهای شاه ایران | محدود کردن ظرفیت نظامی ایران و اعمال محدودیت در حمایت ایران از تروریسم، تضعیف تلاشهای ایران برای حمایت از انقلاب در کشورهای منطقه (به زعم امریکا)، محدود کردن ظرفیت نظامی و مجازات فعالیتهای نظامی ایران، محدود کردن حمایتهای ایران از گروههای تروریستی (به زعم امریکا)، محدود کردن نفوذ ایران در منطقه |
| ریگان | ۱۹۸۷/۱۰/۲۹ | محدودیت در کمکهای خارجی امریکا؛ ممانعت در صادرات و فروش تجهیزات نظامی؛ کنترل جدی صادرات اقلام با کارکرد دوگانه؛ و یکسری محدودیتهای مالی و سایر محدودیتهای | |
| بوش | ۱۹۹۲/۱۰/۲۳ | ایجاد موانعی برای واردات از ایران | محدود کردن توان نظامی ایران از طریق متقاعد و منصرف کردن فروشندگان سلاح (مانند چین و روسیه) از فروش - های آتی به ایران، و محدود کردن نفوذ بین‌المللی ایران |

| | | | |
|------------|-----------|---|--|
| کلیتو ن | ۱۹۹۵/۳/۵ | منع انتقال یکسری کالا یا تکنولوژی به ایرانی و عراق؛ شامل کالاها یا تکنولوژیهای با کاربرد دوگانه، که می‌توانند در دستیابی یکی از دو کشور به سلاحهای پیشرفته شیمیایی، بیولوژیکی یا هسته‌ای کمک نموده یا اینکه امکان تکثیر فراوان سلاحهای متعارف را فراهم کنند | فشار به ایران برای تغییر سیاست داخلی، فشار برای پایان دادن به حمایت از تروریسم (به زعم آمریکا) و تضعیف نفوذ ایران در منطقه |
| کلیتو ن | ۱۹۹۵/۵/۶ | ممانعت از مبادلاتی که منجر به توسعه منابع نفتی ایران می‌شوند | تقویت حکم اجرایی ۱۲۹۵۷ |
| کلیتو ن | ۱۹۹۶/۸/۵ | تحریم اشخاصی که سرمایه‌گذاری مستقیم در منابع نفتی ایران کنند یا اینکه در ارتقاء ظرفیت نفتی ایران مشارکت کنند. | کاهش پتانسیل تولید نفت و گاز ایران و محدود کردن حمایت‌های مالی ایران از گروه‌های نظامی منطقه [به زعم آمریکا] و محدود کردن توسعه ظرفیتهای استراتژیک ایران |
| کلیتو ن | ۱۹۹۷/۸/۱۹ | ممانعت از یکسری مبادلات معین با ایران | تقویت حکم اجرایی ۱۲۹۵۷ |
| کلیتو ن | ۲۰۰۰/۳/۱۴ | تحریم شرکتهایی که [به زعم آمریکا] در برنامه تسلیحات کشتار جمعی ایران مشارکت دارند؛ این تحریمها عدم مبادلات تجاری و مسدود کردن منابع مالی شرکت را شامل می‌شوند. | اعمال فشارهای بین‌المللی به کشورهایی که به برنامه اتمی ایران توسعه سیستم موشکی این کشور کمک میکنند؛ از جمله روسیه |
| بوش | ۲۰۰۱/۹/۳۰ | بلوکه کردن داراییها و ممانعت از مبادلات با اشخاصی که به زعم آمریکا از تروریسم حمایت می‌کنند یا به هر شکلی در آن مشارکت می‌کنند | ممانعت از انجام مبادلات اقتصادی تمام شهروندان آمریکایی با شرکتهایی (اعم از ایرانی و غیر ایرانی) که به زعم آمریکا از سازمانهای تروریستی حمایت می‌کنند |
| بوش | ۲۰۰۵/۶/۲۸ | بلوکه کردن داراییهای تکثیرکنندگان سلاحهای کشتار جمعی و حامیان آنها، از جمله ایجاد محدودیتهایی بر کشتیرانی ایران | متوقف کردن برنامه هسته‌ای و سیستمهای موشکی ایران |
| بوش | ۲۰۰۶/۹/۳۰ | تدوین تحریمهایی علیه ایران، ممنوع کردن سرمایه‌گذاری در | فشار به ایران برای تغییر سیاستهای داخلی و عدم حمایت از تروریسم (به |

| | | | |
|--|---|-----------|--------|
| ایران، فراهم کردن کمک مالی و سیاسی برای ارتقاء دموکراسی (به زعم امریکا)، تحریم علیه کشورهای که در توسعه هسته‌ای و سلاحهای پیشرفته با ایران همکاری می‌کنند، جلوگیری از پولشویی‌های مرتبط با سلاحهای کشتار جمعی | ایران، فراهم کردن کمک مالی و سیاسی برای ارتقاء دموکراسی (به زعم امریکا)، تحریم علیه کشورهای که در توسعه هسته‌ای و سلاحهای پیشرفته با ایران همکاری می‌کنند، جلوگیری از پولشویی‌های مرتبط با سلاحهای کشتار جمعی | | |
| تنبیه ایران به دلیل تلاش برای اعمال نفوذ در منطقه | بلوکه کردن داراییهای اشخاص حقیقی و حقوقی که به زعم امریکا، تلاش می‌کنند عراق را بی‌ثبات کنند | ۲۰۰۷/۷/۷ | یوش |
| مجبور کردن ایران به تغییر سیاستهای داخلی، ایجاد زمینه‌ای برای تحریمهای چندجانبه آتی، مجبور کردن ایران به دست کشیدن دایمی از توسعه سلاحهای اتمی و حمایت از گروههای تروریستی به زعم امریکا | گسترش تحریمهای اعمال شده در قانون تحریم های ایران، تحریم نهادهای مالی ایران، تحریم اشخاصی که به زعم امریکا، حقوق بشر را نقض میکنند و یا در آن مشارکت دارند، جلوگیری از عقد قرارداد با اشخاصی که تکنولوژیهای حساس به ایران صادر می‌کنند، در نظر گرفتن تنبیه هایی برای نقض کنندگان تحریمها، تحریم شرکتهایی که هر نوع مبادله ای با بخش انرژی ایران دارند | ۲۰۱۰/۷/۱ | اوباما |
| فشار بر دولت ایران به دلیل نقض حقوق بشر و حمایت از گروههای اپوزیسیون (به زعم امریکا)، فشار به ایران برای تغییر سیاستهای داخلی، دست کشیدن دایمی از غنی‌سازی اورانیوم و دستیابی به توافقی از طریق مذاکره پیرامون برنامه اتمی ایران | بلوکه کردن داراییهای اشخاص دولتی ایرانی که به زعم امریکا، حقوق بشر را نقض میکنند و یا در یکسری فعالیت‌های مشخص مشارکت دارند | ۲۰۱۰/۹/۲۸ | اوباما |
| مجبور کردن ایران به مصالحه پیرامون برنامه هسته‌ای آن | بلوکه کردن داراییهای اشخاص دولتی ایران که به زعم امریکا حقوق بشر را نقض میکنند و تحریم بانکهای خارجی که با بانک | ۲۰۱۱/۱۲/۳ | اوباما |

| | | | |
|--------|-----------------------------|---|--|
| | مرکزی ایران در ارتباط هستند | | |
| اوباما | ۲۰۱۱/۴/۲۹ | بلوکه کردن داراییهای یکسری افرادی که به زعم امریکا، در نقض حقوق بشر در سوریه ارتباط دارند | تنبیه ایران برای تلاش بر تأثیرگذاری در منطقه و حمایت از دولت بشار اسد در سوریه؛ تقویت CISADA |
| اوباما | ۲۰۱۱/۵/۲۳ | تأیید اصلاحات صورت گرفته در قانون تحریمهای ایران | مجبور کردن ایران به دست کشیدن دائمی از برنامه اتمی و دستیابی به یک توافق هسته ای از طریق مذاکره؛ تقویت CISADA |
| اوباما | ۲۰۱۱/۱۱/۲۰ | تأیید اعمال تحریمهای جدید در خصوص تأمین اقلام، خدمات، تکنولوژی، و یا هرگونه حمایت از بخشهای انرژی و پتروشیمی ایران | مجبور کردن ایران به دست کشیدن دائمی از برنامه اتمی و دستیابی به یک توافق اتمی از طریق مذاکره |
| اوباما | ۲۰۱۲/۷/۳۰ | تأیید اعمال تحریمهای بیشتر علیه ایران | هدفگیری درآمد نفت ایران، مجبور کردن ایران به دست کشیدن دائمی از برنامه اتمی و دستیابی به یک توافق اتمی از طریق مذاکره |
| اوباما | ۲۰۱۲/۸/۱ | بسط تحریمهای چندجانبه، بسط تحریمهای مرتبط با بخش انرژی ایران و گسترش سلاحهای کشتار جمعی، تحریمهای شرکتی مرتبط با سپاه پاسداران، تحریم علیه کسانی که حقوق بشر را در ایران نقض میکنند (به زعم امریکا)، تحریم ناقضان حقوق بشر در سوریه | نشان دادن نقض حقوق بشر در ایران و فشار به دولت ایران به دلیل نقض حقوق بشر (به زعم امریکا)، حمایت از گروههای اپوزیسیون و آزادیهای مدنی، فشار به ایران برای تغییر سیاست داخلی، فشار به ایران به دلیل حمایت از دولت بشار اسد در سوریه |
| اوباما | ۲۰۱۲/۲/۵ | بلوکه کردن داراییهای دولت ایران و نهادهای مالی ایرانی | هدفگیری کل اقتصاد ایران، فشار برای دست کشیدن کامل از گسترش برنامه هسته ای و دستیابی به توافقی اتمی با ایران از طریق مذاکره |
| اوباما | ۲۰۱۲/۴/۲۳ | بلوکه کردن داراییها و جلوگیری از ورود افراد حقیقی که در نقض حقوق بشر دولتهای ایران و سوریه از طریق تکنولوژی اطلاعات مشارکت دارند، به کشور امریکا | تنبیه دولت ناقض حقوق بشر ایران به دلیل استفاده از تکنولوژی اطلاعات، حمایت از گروههای حامی دموکراسی |
| اوباما | ۲۰۱۲/۱۰/۹ | موافقت و اجازه اعمال تحریمهای | فراهم کردن سازوکار اجرایی قانون |

| | | | |
|--|---|-----------------|---------------|
| <p>کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه و تحریمهای بیشتر علیه ایران، نشان دادن نقض حقوق بشر در ایران و فشار به دولت ایران به دلیل نقض حقوق بشر (به زعم امریکا)، حمایت از گروههای حامی دموکراسی و آزادیهای مدنی، فشار به ایران برای تغییر سیاست داخلی، فشار به ایران به دلیل حمایت از دولت بشار اسد در سوریه</p> | <p>موضوع قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه و تحریمهای بیشتر علیه ایران</p> | | |
| <p>افزایش فشار جهت توقف غنی‌سازی اورانیوم از طریق کاهش شدید درآمدهای ایران</p> | <p>انسداد داراییها و اعمال حداقل تحریم بر اشخاص حقیقی یا حقوقی که اقدام به تأمین کالا یا خدمات در بخشهای انرژی، ساخت کشتی و کشتیرانی بنمایند یا عملیات مذکور را بیمه کنند؛ ضمن اینکه بانکهای خارجی که در راستای خدمات مذکور همکاری نمایند، از دسترسی به بانکهای امریکا محروم خواهند شد. ممانعت از ورود ارز حاصل از فروش نفت ایران به داخل کشور و اجازه خرید صرفاً اقلام مجاز. این تحریمها شامل خرید گاز ایران و نیز کشورهای معاف نمی‌شوند. اعمال حداقل ۵ تحریم بر اشخاص حقیقی یا حقوقی که اقدام به تأمین فلزات گرانبها مثل طلا، گرافیت، زغال کک، مواد خام یا نیمه ساخته مانند فولاد، آلومینیوم و نرم افزارهای صنعتی مرتبط با بخشهای انرژی و کشتیرانی با ایران بنمایند. تحریم صدا و سیما ایران و ریاست آن به دلیل نقض حقوق بشر</p> | <p>۲۰۱۳/۲</p> | <p>اوباما</p> |
| <p>افزایش فشار بر ایران مجبور کردن ایران</p> | <p>تحریمهای مربوط به خرید یا</p> | <p>۲۰۱۸/۸/۴</p> | <p>ترامپ</p> |

| | | |
|---|---|---------------------------|
| <p>به دست کشیدن دائمی از برنامه اتمی و دستیابی به یک توافق هسته ای از طریق مذاکره</p> | <p>اكتساب اسكناس‌های دلار آمریکا، تجارت ایران با طلا یا فلزات گرانبها، فروش، عرضه، تأمین یا نقل و انتقال گرافیت، فلزات خام و نیمه ساخته مانند آلومینیوم و فولاد و صادرات یا نرم‌افزار برای یکپارچه‌سازی فرآیندهای صنعتی به ایران، معاملات خرید یا فروش ریال ایران یا نگهداری حساب‌ها و وجوه عمده‌ای که در خارج از خاک ایران بر پایه ریال ایران نگهداری می‌شوند، خرید، پذیره‌نویسی یا تسهیل معاملات دیون حاکمیتی ایران؛ و تحریم‌های بخش خودروسازی ایران</p> | |
| <p>هدف حفظ نظارت بر برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز تهران، کاهش خطر اشاعه، مهار توانایی ایران برای کاهش زمان رسیدن به سلاح هسته‌ای و پیشگیری از بازسازی سایت‌هایی با هدف اشاعه،</p> | <p>تحریم معامله با بخش‌های کشتی‌رانی و کشتی‌سازی ایران و عاملان بنادر شامل شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، خطوط کشتیرانی جنوب و وابستگان به آنها؛ تحریم مربوط به معامله با شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی نفت کتس ایران، شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو) و از جمله خریداری نفت، محصولات نفتی یا محصولات پتروشیمی از ایران؛ تحریم‌های مربوط به مبادلات موسسات مالی خارجی با بانک مرکزی ایران و موسسات مالی، تحریم‌های مرتبط با ارائه خدمات پیام‌رسانی مخصوص مالی به بانک مرکزی ایران و دیگری موسسات مالی ایران، تحریم‌های مرتبط با ارائه خدمات پیام‌رسانی مخصوص مالی به بانک مرکزی ایران و</p> | <p>تراپ ۲۰۱۸/۱۱/۴</p> |

| | | | |
|------|-------------------------|--|---|
| | دیگری موسسات مالی ایران | | |
| تراپ | ۲۰۱۸/۱۱/۵ | تحریم در زمینه انرژی، حمل و نقل و صنایع کشتی سازی | افزایش فشار بر ایران |
| تراپ | ۲۰۱۸/۱۱/۲۰ | قطع سوئیفت، دادن خدمات به بانک مرکزی و لیست گذاری نهادهای مالی ایران | در تنگنا قرار دادن ایران و بن بست اقتصادی |
| تراپ | ۲۰۱۹/۳/۸ | تحریم صنایع فولاد، آهن، مس، آلومینیوم | جلوگیری از توسعه سلاح هسته‌ای و موشک‌های بالستیک بین قاره‌ای توسط ایران و جلوگیری از نفوذ این کشور در خاورمیانه |
| تراپ | ۲۰۱۹/۶/۷ | تحریم شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس و بخش عمرانی | محدود کردن درآمدهای سپاه پاسداران |

شورای امنیت سازمان ملل نیز در پی برنامه هسته‌ای ایران، چندین قطعنامه علیه ایران وضع کرده است که تماماً در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌الملل طبق ماده ۴۱ منشور ملل متحد، اعلام شده‌اند. همگی این قطعنامه‌ها در راستای فشار بر ایران برای توقف برنامه هسته‌ای آن وضع شده‌اند. تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، به دلیل فعالیتهای هسته‌ای از سال ۲۰۰۶ آغاز شد و تا سال ۲۰۱۰ نیز ۶ قطعنامه در این خصوص صادر شد که در طی زمان بر شدت آنها افزوده شد و در پی آن، مشکلاتی در بخشهای مختلف اقتصادی و عوامل قدرت ایران ایجاد کرد.

در جدول شماره ۲، قطعنامه‌های مرتبط با تحریم‌های ایران و همچنین مفاد مهم اقداماتی که در ذیل این قطعنامه‌ها از ایران و کشورهای دیگر خواسته شده است تا آنها را انجام دهند، آورده شده است؛ اگرچه در قالب تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه، که توسط آمریکا و اتحادیه اروپا و سایر کشورها بر علیه ایران اعمال شده، در برخی موارد اقداماتی فراتر از این قطعنامه‌ها پیش بینی و به اجرا گذاشته شده که آثار مخربی را بر اقتصاد ایران بر جای گذاشته‌اند.

جدول شماره ۲. تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران

| تاریخ تصویب | عنوان | موضوع | هدف (به زعم صادرکنندگان) |
|-------------|--------------------------------|---|---|
| ۲۰۰۶/۷/۳۱ | قطعنامه شماره ۱۶۹۶ شورای امنیت | تعویق غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران؛ و در غیر این صورت، افزایش تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک | ترغیب ایران به رها کردن توسعه برنامه اتمی |
| ۱۲/۲۷/۲۰۰۶ | قطعنامه شماره ۱۷۳۷ شورای امنیت | اعمال تحریم‌ها بر ایران بـه دلیـل عدم توقف غنی‌سازی اورانیوم | متقاعد کردن ایران به دست کشیدن از غنی‌سازی اورانیوم، گسترش بازدهی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تلاش برای دستیابی به توافقی در خصوص برنامه اتمی ایران |
| ۲۰۰۷/۳/۲۴ | قطعنامه شماره ۱۷۴۷ شورای امنیت | تشدید تحریم‌های ایران و منع فروش تجهیزات نظامی به ایران | متقاعد کردن ایران به دست کشیدن از غنی‌سازی اورانیوم، گسترش بازدهی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تلاش برای دستیابی به توافقی در خصوص برنامه اتمی ایران |
| ۲۰۰۸/۳/۳ | قطعنامه شماره ۱۸۰۳ شورای امنیت | اعمال فشار بیشتر بر فعالیتهای اتمی ایران، افزایش حساسیت و هوشیاری نسبت به نظام بانکی ایران و لزوم بازرسی بیشتر از محموله‌های ایرانی | متقاعد کردن ایران به دست کشیدن از غنی‌سازی اورانیوم، گسترش بازدهی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تلاش برای دستیابی به توافقی در خصوص برنامه اتمی ایران |
| ۲۰۰۸/۹/۲۷ | قطعنامه شماره ۱۸۳۵ شورای امنیت | تأکید بر قطعنامه‌های پیشین درباره غنی‌سازی اورانیوم ایران | متقاعد کردن ایران به دست کشیدن از غنی‌سازی اورانیوم، گسترش بازدهی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تلاش برای دستیابی به توافقی در خصوص برنامه اتمی ایران |
| ۲۰۱۰/۶/۹ | قطعنامه شماره ۱۹۲۹ شورای امنیت | گسترش محدودیتهای مبادلات نظامی با ایران، و تشدید محدودیتهای مالی و کشتیرانی مرتبط با فعالیتهای انتشار سلاحهای کشتار جمعی | فشار به اقتصاد ایران برای متقاعد کردن رهبران این کشور جهت رها کردن غنی‌سازی اورانیوم، اجازه به گسترش بازدهی‌های آژانس بین‌المللی اتمی و تلاش برای دستیابی به توافقی در خصوص برنامه اتمی ایران |

بعد از افشاگرهای مرتبط با برنامه پنهانی هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۲، اتحادیه اروپا از ایده جدی‌تر کردن تلاشهای دیپلماتیک خود همراه با تحریم‌های چندجانبه استقبال

کرد. در عین حال، ایالات متحده نیز موافقت کرد که برای انجام مذاکراتی منسجم با چین و روسیه، فشار آورده و با همراهی آنها، تحریم‌های چند دهه گذشته خود بر ایران را تشدید کند. به عبارت دیگر، واشنگتن در سال ۲۰۰۶ با ورود به مذاکراتی که اروپایی‌ها در سال ۲۰۰۳ شروع کرده بودند، از موضع انزواگرایانه خود دست کشید. در مقابل، اتحادیه اروپا هم تعامل اقتصادی خود با ایران را کاهش داد و نهایتاً در سال ۲۰۱۲ با رژیم‌های همه‌جانبه و مؤثر از تحریم‌ها همراه شد (Alcaro, 2011: 46). این رژیم، شامل تحریم‌های نفتی و محرومیت دسترسی به نظام مالی بین‌المللی می‌شد و از جانب اتحادیه اروپا، و ایالات متحده رعایت و مورد حمایت جدی شرکای تجاری نزدیک ایران مانند چین، هند و کره جنوبی قرار گرفت (Adebahr, 2014).

این اجماع نظر بین‌المللی گسترده نهایتاً به توافق جولای ۲۰۱۵ منتهی شد (برجام) که فعالیت‌های هسته‌ای ایران را در مقابل لغو این تحریم‌ها متوقف می‌ساخت. از نظر اتحادیه اروپا و به بیان دقیقتر حامیان توافق، "برجام نشانگر بهترین بدیل برای جنگ در خاورمیانه یا دستیابی ایران به بمب هسته‌ای است که هم رژیم خلع سلاح جهانی و هم همسایگانی مانند اسرائیل را تهدید میکند." به بیان موگرینی، "این توافق نتیجه انتخاباتی شجاعانه، رهبری سیاسی، عزم و اراده جمعی و سخت‌کوشی است که خاتمه دادن به آن شاید به معنای مواجهه با یک درگیری نظامی دیگر در منطقه‌ای باشد که همین حالا هم بیش از حد دستخوش بی‌ثباتی است" (Mogherini, 2017).

جدول شماره ۳. تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران

| موضوع تحریم | عنوان | تاریخ تصویب |
|---|-------------------|---------------|
| تحریم تجارت تقریباً تمام کالاهای با قابلیت مصرف دوگانه، تجهیزات نظامی و اقلام مرتبط با انرژی هسته‌ای. ممنوعیت صادرات تجهیزات کلیدی و تکنولوژیک برای تولید، استخراج و پالایش نفت و گاز طبیعی. ممنوعیت کمک‌های فنی مهندسی، آموزش و تأمین مالی بخش انرژی ایران. ممنوعیت دسترسی محموله‌های هوایی ایران به فرودگاه‌های اتحادیه اروپا و نیز سوختگیری و سایر خدمات به کشتی‌های ایرانی و سایر کشتی‌های ناقض تحریم‌ها. انتقال مبلغ بیش از ۱۰ هزار یورو باید با اطلاع قبلی و بیش از ۴۰ هزار یورو باید با اخذ مجوز صورت گیرد. منع بانک‌های ایرانی از تأسیس شعب در اتحادیه اروپا و ارتباط با بانک‌های این حوزه. ممنوعیت خرید و فروش اوراق قرضه عمومی با دولت یا بانک‌های ایران. ممنوعیت بیمه یا تمدید | 2010/413/CF SP | جولای ۲۰۱۰ |

| | | |
|---|-------------------|-------------|
| بیمه نهادهای مرتبط با دولت ایران | | |
| انسداد دارائیهها و ممانعت از ورود ناقضان حقوق بشر در ایران به اتحادیه اروپا | 2011/235/CF SP | آوریل ۲۰۱۱ |
| ممنوعیت واردات، خرید یا انتقال کلیه محصولات نفتی ایران و نیز تأمین مالی، تسهیل آن و یا مشارکت در صنعت پتروشیمی ایران. انسداد دارایی‌های یکسری نهادهای دیگر ایرانی. ممنوعیت فروش یا انتقال فلزات گرانبها و الماس به - از دولت ایران یا نهادهای وابسته به آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم. گسترده‌تر شدن لیست اقلام با مصارف دوگانه | 2012/35/CFS P | ژانویه ۲۰۱۲ |
| ممنوعیت فروش تجهیزات کنترل یا رهگیری اینترنت و سایر وسایل مخابراتی مشابه که برای سرکوب از آنها استفاده میشود | 2012/168/CF SP | مارس ۲۰۱۲ |
| منع ارائه خدمات مالی توسط فراهم‌کنندگان ارتباطات مالی (نظیر سوئیفت، که امکان مبادلات بانکی بین‌المللی را در سراسر جهان فراهم می‌کند) به نهادهای مالی تحریمی | 2012/152/CF SP | مارس ۲۰۱۲ |
| ممنوعیت هرگونه تعامل بین بانکهای ایرانی و اروپایی، مگر با اخذ مجوز تحت شرایط خاص. ممنوعیت صادرات گرافیت، آلومینیوم، فولاد، نرم‌افزارهای صنعتی و هرگونه کمک فنی مهندسی و مالی مرتبط. ممنوعیت واردات گاز طبیعی از ایران. ممنوعیت اعطای اعتبارات کوتاه‌مدت، ضمانتنامه یا بیمه به ایران. ممنوعیت ارائه خدماتی مانند خدمات تولید و تضمین استانداردهای تانکرها و همچنین، پرچم‌گذاری به تانکرها ایرانی. ممنوعیت انتقال یا ذخیره نفت ایران توسط تانکرها متعلق به شرکتها و اشخاص اتحادیه اروپا. ممنوعیت انتقال تجهیزات و تکنولوژی ساخت کشتی به ایران. گسترش دامنه تجهیزات ممنوعه در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی برای فروش به ایران. افزودن ۳۴ شخص ایرانی جدید به لیست مشمول انسداد دارائیهها از جمله وزرای نفت و نیرو، بانک مرکزی ایران و چندین شرکت نفت و پتروشیمی | 2012/365/CF SP | اکتبر ۲۰۱۲ |

۱. آثار تحریم‌ها بر روابط اقتصادی ایران و روسیه

وابستگی اقتصادی متقابل کشورها به یکدیگر، به ویژه پس از دوران جنگ سرد، یکی از مهمترین عواملی است که می‌تواند در جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها نقش قابل توجهی ایفا کند. در تاریخ مناسبات ایران و روسیه که پیشینه آن به صدها سال پیش باز می‌گردد. همواره روابط اقتصادی یکی از اجزای مهم این روابط بوده که گاهی از سطح توسعه مناسبات سیاسی پیش افتاده و گاهی بسیار عقب مانده است. به عبارت دیگر، تعاملات اقتصادی و تکنولوژیکی در شرایط جدید یکی از مهمترین عوامل گسترش همکاری میان کشورها تلقی می‌شوند. گستردگی حوزه‌های همکاری بین دو کشور در

حوزه‌های مختلف اقتصادی، تجاری، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگی آنچنان وسیع می‌باشد که منافع ملی دو کشور را در حوزه‌های مختلف به یکدیگر گره زده است.

در سال ۲۰۰۵، روسیه به هفتمین شریک تجاری ایران تبدیل شد و ۳۳/۵ درصد از کل کالاهای صادراتی به ایران را تأمین کرد. شرکت روسی «تات نفت» در سال ۲۰۰۵ با بنیاد مستضعفان در منطقه آزاد کیش، شرکت مشترکی ثبت کرد. قبل از این، شرکت «تات نفت» در کیش یک شرکت ایرانی - روسی تأسیس کرده بود که قرارداد تحقیقات زلزله خیزی محل استخراج «موند» را دریافت و تجهیزات فن آوری را تأمین نموده بود. همچنین، با هدف تثبیت در بازار ایران، شرکت روسی «لوک اویل» ۲۵ درصد از سهام پروژه، اکتشاف «اناران» را از شرکت نروژی "نورسک هیدرو" خرید. ایران مایل بود که شرکت «لوک اویل» در عملیات اکتشافی چندین بلوک در مرز با جمهوری آذربایجان مشارکت داشته باشد. ارزش اجرای پروژه های مشترک دو کشور در آینده نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار بالغ می شود. بیشتر این پروژه ها در زمینه استخراج نفت و گاز و انرژی هستند. در سال ۲۰۰۵، شرکت سهامی عام «کاماز» با طرف ایرانی قراردادی را در زمینه سازماندهی، تولید و مونتاژ اتومبیل های باری «کاماز» در تبریز بسته است. از ایران نیز اتومبیل های سواری «سمند» و «پژو ۲۰۶» به روسیه تحویل داده می شود. مبادله فعال هیئت‌های تجاری و صنعتی، موجب تکمیل مراکزی می شود که برای رشد روزافزون روابط متقابل دو کشور لازم و ضروری است. در سال ۲۰۰۵، قرارداد همکاری در زمینه تبادل اطلاعات اقتصادی، و هم چنین قرارداد همکاری در زمینه توریسم، قرارداد تشویق و دفاع متقابل از سرمایه گذاری و یادداشتی مبنی بر گسترش بلند مدت همکاری های صنعتی، تجاری، اقتصادی و علمی و فنی میان دو کشور امضاء شد (کریمی، ۱۳۸۷، ۱۱۹-۱۱۸).

در سه ماهه اول سال ۲۰۰۷، ارزش تجارت دو کشور معادل ۲/۲۹۴ میلیارد دلار بود. در این سالها مهم‌ترین کالاهای وارداتی ایران از روسیه، تسلیحات، فولاد، آهن آلات و چوب بود صادرات ایران به روسیه نیز به ویژه در سال های ۲۰۰۶ و پس از آن، خودرو، قطعات یدکی خودرو و مواد غذایی بوده است. در توافقنامه انرژی در سال ۲۰۰۸ دو کشور بر تشکیل شرکت مشترک ایران و روسیه تأکید کردند هم چنین توسعه فازهای

پارس جنوبی، همکاری در زمینه انتقال نفت خام دریای خزر به دریای عمان «خط لوله نکا- جاسک»، ساخت پالایشگاه در شمال کشور و بررسی و مطالعه و اجرای توسعه میدان آزادگان شمالی مورد تأکید قرار گرفت. تحلیل آماری گزارش اتاق بازرگانی مشترک دو کشور نشان می‌دهد افزایش حجم صادرات ایران، که از سال ۲۰۰۵ آغاز شد، با وجود بحران جهانی اقتصادی روند افزایشی خود را حفظ کرده است. بر پایه این گزارش، سهم روسیه از صادرات خارجی به ایران نیز در سال ۲۰۰۸ شش درصد یا معادل سه میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بود و این کشور پس از چین، امارات و آلمان به صورت مشترک با ایتالیا در رتبه چهارم تعاملات اقتصادی با ایران، قرار گرفت (پیشین).

از طرف دیگر، با اینکه روابط اتمی بین ایران و روسیه از سال ۱۹۹۰ و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بر مبنای پروژه‌های صلح‌آمیز بوده، اما در زمینه‌هایی بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ منفی بوده است. دلیل آن را می‌توان در این موضوع دید که تهران نه تنها به دنبال خرید اسلحه از روسیه بوده، بلکه به دنبال به دست آوردن مجوز برای تولید برخی از این سیستم‌ها در ایران نیز بوده است. با این وجود، مسکو معتقد بود که کمک کردن به ایران برای توسعه توانایی‌های نظامی- صنعتی مورد علاقه روسیه نیست. بنابراین، تمامی تقاضاهای این گونه مجوزها را در این سالها رد کرده است. اما بعد از افشای برنامه هسته‌ای تهران، تصمیم دولت روسیه در این خصوص محکم‌تر شد. برخی از کارشناسان ایرانی اعتقاد دارند که مسکو در رابطه با ساخت نیروگاه بوشهر نیز بی‌میل شده بود. در ابتدا، بنا بود روسیه پروژه را تا ماه سپتامبر ۲۰۰۳ کامل کند؛ اما این پروژه تقریباً تا یک دهه بعد از آن نیز ادامه یافت. دولت روسیه از هیچ تلاشی برای دور نگه داشتن پروژه بوشهر از تأثیر منفی تحریم‌های بین‌المللی و یک جانبه علیه ایران دریغ نکرد. بعلاوه در سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹، روسیه تلاش‌های خود را برای کامل کردن پروژه مذکور افزایش داد و این رویکرد، نوعی اقدام تلافی‌جویانه نسبت به حمایت اسرائیل و آمریکا از تفلیس در جنگ بین روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸ و همچنین تلاش‌های ناتو برای به عضویت درآوردن گرجستان بود (Terekhov, 2011).

سیاست روسیه در مقابل پرونده هسته‌ای ایران همیشه دارای نوسان بوده و این کشور با به کار گرفتن مواضع دو پهلو نه تنها در روند همکاری‌های هسته‌ای خود با

ایران تأخیر کرده است، بلکه با موضع‌گیری‌های خود در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل - که منجر به صدور چندین قطعنامه تحریمی علیه ایران شده است - در عمل تعجب و ناراحتی مقام‌های ایرانی را برانگیخته است. از یکسو، روسیه به عنوان شریک هسته‌ای ایران، همواره بر صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای ایران و حق ایران در دسترسی به فناوری هسته‌ای تأکید داشته، و از سوی دیگر، در تصویب چهار قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت علیه ایران با غرب همگرا بوده است. سیاست روسیه در مقابل سیاست هسته‌ای ایران همیشه دو پهلو و یادآور سیاست‌های ریشلیو و بیسمارک در قرن ۱۸ و ۱۹ استغ از یکسو جانب ایران را می‌گیرد، اما در عمل و زمانی که در موقعیت انتخاب بین ایران و آمریکا قرار می‌گیرد، بیشتر به سمت واشنگتن گرایش نشان می‌دهد. مقام‌های بلند پایه روسیه بر عدم همکاری ایران و روشن نبودن سیاست ایران در پرونده هسته‌ای اشاره و حتی در مواردی بر تحریم‌ها علیه ایران نیز تأکید داشته‌اند (امیدی، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۵).

تحریم‌های بین‌المللی همچنین موانع مشخصی را برای توسعه روابط اقتصادی با روسیه ایجاد کرد. چنانکه در این زمان، سهم ایران در تجارت کلی روسیه از سال ۲۰۱۰ کاهش یافت؛ چرا که مسکو مجبور شد تا برخی از الزامات قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را رعایت کرده و بنابراین، برخی از اقلام صادراتی به ایران را محدود کند. به عنوان مثال، هنگامی که مسکو تصمیم گرفت فروش اس-۳۰۰ به سیستم دفاعی هوایی ایران در سال ۲۰۱۰ را تعلیق کند، میزان صادرات اسلحه روسیه به ایران تدریجاً شروع به کاهش کرد. بعلاوه، مقامات روسیه اقدامات کنترلی صادرات اضافی را نیز به کار گرفتند که فروش تولیدات دارای کاربردی دوگانه به ایران را دشوارتر می‌نمود. هم ماهیت تحریم - های ایالت متحده و هم این واقعیت که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران توسط بسیاری از کشورهای دیگر نیز حمایت می‌شد، به رابطه اقتصادی روسیه و ایران لطمه وارد کرد (زارعی هدک و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۷). بدین ترتیب، ما شاهد کاهش روابط اقتصادی ایران و روسیه در سال ۲۰۱۰ به دلیل تحریم‌های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران هستیم.

روابط ایران و روسیه در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰، با وجود پشتیبانی مسکو از احمدی نژاد در رویارویی با جنبش سبز، رو به وخامت گذاشت. در شرایط تیرگی روابط امریکا و روسیه، این کشور قرارداد یک میلیارد دلاری فروش موشک‌های اس ۳۰۰ به ایران را امضاء کرده بود (Trenin and Malashenko, 2010, 23)؛ ولی با صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران، روسیه تحویل موشکها را به حالت تعلیق درآورد. از سوی دیگر، با مطرح شدن ابتکار دولت باراک اوباما برای تنظیم مجدد روابط دو کشور و "بازشروع" روابط امریکا و روسیه، تمایل مسکو برای همکاری با واشنگتن در موضوع هسته‌ای ایران افزایش یافت. اوج این دیپلماسی با صدور قطعنامه ۱۷۳۷ علیه ایران در سال ۲۰۱۰ و در پی آن تحریم‌های روسیه علیه ایران رخ داد. دمیتری مدودف در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ فرمانی با عنوان «اقدام‌های مربوط به اجرای قطعنامه شماره ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل مورخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰» صادر کرد که بر اساس آن، صدور تانک، خودروهایی زرهی، توپ‌های کالیبر بزرگ، هواپیماهای جنگی، بالگرد، ناو جنگی و سیستم‌های ضد هوایی «اس ۳۰۰» به ایران و همچنین واگذاری خدمات مالی در رابطه با «برنامه هسته‌ای» ایران از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی روسی به طرف‌های حقیقی و حقوقی ایرانی ممنوع شد. بر اساس این فرمان، حتی فعالیت مشترک با بانک‌های ایرانی در روسیه منع و اعلام شد شعبه‌های بانکی جدید و بنگاه‌های بیمه جدید ایرانی در روسیه افتتاح نخواهند شد. در این دستور تصریح شده بود: «لازم است در جریان تعامل اقتصادی و از جمله انجام معامله با ساختارهای ثبت شده در ایران یا زیر حاکمیت حقوقی ایران، هوشیاری بیشتری مورد توجه قرار گیرد». افزون بر این، بر اساس این فرمان، ورود و حتی عبور آن بخش از اتباع ایران که با فعالیت اتمی تهران ارتباط داشتند، به و از روسیه ممنوع شده بود. در این رابطه در متمم شماره یک فرمان مدودف، فهرست سیزده نفر از اتباع ایرانی ممنوع‌الورود به و ممنوع‌العبور از روسیه منتشر شد. در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ روسیه پس از تأیید مصوبه‌های شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای، به همه قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران رأی مثبت داد (Kozhanov, 2015, 6).

روسیه در این دوره، ما به ازای مناسبی را نیز از آمریکا را دریافت کرد: تعلیق گسترش ناتو به شرق (به ویژه به اوکراین و گرجستان)، تعلیق برنامه استقرار منطقه سوم سپر دفاع ضد موشکی آمریکا در اروپای شرقی، موافقت با انعقاد پیمان استارت ۳، موافقت آمریکا با پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی، از سرگیری فعالیت شورای روسیه - ناتو و طرح موضوع استقرار سپر دفاع ضد موشکی مشترک بین طرفین در نشست سران روسیه و ناتو در لیسبون در نوامبر ۲۰۱۰.

مارک کاتز فضای دشمنی آلود میان تهران و واشنگتن را، موجب به وجود آمدن مزایایی برای روسیه از جمله محروم شدن ایران از معادلات انرژی منطقه و اروپا و مساعد شدن فضای فعالیت اقتصادی شرکت‌های روسی در ایران می‌داند. به باور او، سیاست نرم اواما در مورد ایران، در ابتدای دوران ریاست جمهوری او، که از جمله در قالب پیشنهاد گفتگو به تهران دنبال شد، سبب بروز نگرانی‌هایی در کرملین، در مورد از دست رفتن این مزایا به تبع بهبود احتمالی روابط تهران - واشنگتن گردید (Katz, 2010: 62-63).

شروع تحولات سیاسی جدید در خاورمیانه در سال ۲۰۱۱، به عقب‌نشینی کرملین از حمایت‌های قبلی خود از سیاست‌های دولت اواما در مورد پرونده هسته‌ای ایران منجر شد. با این حال، بر اساس همان سیاست دوگانه، توقف روابط تجاری ایران و روسیه ادامه داشت.؛ در نتیجه، حجم اندک مبادلات دو کشور نیز همچنان روند نزولی داشت (Mamedova, 2016:132).

با ایجاد تحریم‌های مختلف بین اروپا و روسیه و اخیراً تحریم واردات کالا از ترکیه، اقداماتی از سوی طرفین برای جایگزین نمودن کالاهای ایرانی در بازار روسیه بجای کالاهای اروپائی یا ترک صورت پذیرفته است. دولت روسیه با صدور چندین مجوز و دستورالعمل، اجازه واردات آبزیان، گوشت مرغ و محصولات لبنی از ایران را صادر نموده و تعرفه گمرکی این محصولات را کاهش داده و همچنین تقلیل تعرفه واردات محصولات کشاورزی از کشورمان را در دستور کار دارد. نزدیکترین تولیدکننده این محصولات در جنوب روسیه، کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که از توان کشاورزی بالائی برخوردار بوده و از این ظرفیت برخوردار است که نیازهای بازار

روسیه را برآورده سازد. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز از تمام توان سیاسی و ابزارهای دیپلماتیک خود برای ترغیب تجار و شرکتهای تجاری طرفین برای تعاملات نزدیکتر با یکدیگر استفاده می‌نماید تا در مسیر حرکت کالاهای ایرانی به بازار روسیه بتواند نقش موثرتری ایفا نماید. به منظور شناخت بهتر بازار روسیه، آمارهای تجارت خارجی و اقتصاد کلان این کشور طی سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی نشان می‌دهند که این کشور، ضمن برخورداری از رشد ۴ درصدی، از کاهش بیکاری، افزایش درآمد سرانه، افزایش حقوق کارکنان، رشد تولید ناخالص داخلی در سایه فروش نفت با قیمت بالا و تولید حداکثری، رشد ذخیره ارزی و کاهش بدهی خارجی و رشد مبادلات خارجی تا سطح ۹۰۰ میلیارد دلار برخوردار بوده است. علیرغم این تحولات، بررسی تبادلات تجاری بین ایران و روسیه طی سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی حاکی از کاهش مبادلات تجاری از سه و نیم میلیارد دلار به کمی بیشتر از یک و نیم میلیارد دلار دارد که این کاهش تا حدود زیادی به دلیل و متاثر از اوج تحریم‌ها و فشارهای غرب بر کشورمان پدید آمده است (نادری، ۱۳۹۴).

حجم مبادلات تجاری ایران و روسیه ۲۰۱۴-۲۰۰۹ به نقل اتاق بازرگانی (میلیون دلار)^۱

| واردات | | صادرات | | سال |
|------------------|------------------|----------------|----------------|------|
| 1/596/397/517 kg | 897/210/773 \$ | 198/417/626 kg | 333/932/261 \$ | 2009 |
| 579/491/408 kg | 334/821/357 \$ | 243/413/965 kg | 330/575/515 \$ | 2010 |
| 1/262/752/272 kg | 773/688/979 \$ | 341/027/972 kg | 370/723/781 \$ | 2011 |
| 3/052/636/245 kg | 1/639/203/467 \$ | 931/831/242 kg | 498/793/298 \$ | 2012 |
| 1/254/920/252 kg | 688/499/252 \$ | 927/826/295 kg | 316/594/606 \$ | 2013 |
| 1/283/672/042 kg | 620/493/257 \$ | 797/967/575 kg | 285/665/973 \$ | 2014 |

۳۷



تأثیر تحریم‌های
ایالت متحده
آمریکا بر روابط
اقتصادی دو جانبه
ایران و روسیه

نکته اساسی درباره روابط اقتصادی ایران و روسیه این است که در شرایطی که ایران در دوران تحریم به سر می‌برد، اگر دو کشور بتوانند از طریق مبادله با ارزها و پول‌های خودشان روابط اقتصادی را پیش ببرند، می‌توانند مستقل از نظام مالی و پولی که در سطح بین‌المللی وجود دارد، روابط خود را توسعه دهند و این در شرایط تحریم، برای ایران یک مزیت قابل توجه محسوب می‌شود.

۲. روابط اقتصادی ایران و روسیه پس از برجام

دستیابی به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، یکی از مهم‌ترین تحولات در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به حساب آمده است. این نخستین بار بود که یک موضوع امنیتی بین‌المللی مربوط به جمهوری اسلامی، از طریق گفتگو و مذاکره با بالاترین سطوح بین‌المللی ممکن و با قدرتهای جهانی (با اعضای ۵+۱) بررسی می‌شد. از این رو، برجام دارای پیامدها و تأثیرات بین‌المللی گسترده‌ای تلقی شده که یکی از مهم‌ترین آنها، تأثیر بر روابط ایران با سایر کشورها بوده است. با این وجود، برجام به یک اندازه بر روابط

۱. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، بخش آمار صادرات و واردات، قابل دسترسی از:

<http://www.tccim.ir>, Accessed

جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها تأثیر نگذاشته است. در میان کشورهای جهان، تأثیرات برجام در روابط ایران با روسیه، به عنوان بزرگترین مخالف ساختار تک‌قطبی فعلی به رهبری ایالات متحده آمریکا، مشهودتر بوده است.

در مورد روابط پسا برجام میان جمهوری اسلامی ایران و روسیه، باید گفت که اگر چه ایران با روسیه دارای اختلافات تاریخی و سیاسی گسترده‌ای است، اما سفارت این کشور سال‌هاست در جمهوری اسلامی ایران فعال است. با انتخاب مجدد حسن روحانی، ولادیمیر پوتین نیز در روسیه همچنان در قدرت باقی مانده و شخص اول در تصمیم‌گیری‌ها است و همین امر باعث ثبات و همچنین بهبود روابط بین ایران و روسیه شده است. اما با همه اینها، باید اشاره شود که چارچوب نظری مقاله حاضر رئالیسم ساختاری کنت والتز است. در این نظریه، سطح تحلیل کلان لحاظ شده و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر روابط کشورها، ساختار نظام بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود. از این رو، تمامی دولت‌ها و کشورها، بازیگران مشابهی در نظام بین‌الملل در نظر گرفته می‌شوند که در قبال رویدادهای بین‌المللی رفتارهای کم و بیش یکسانی از خود نشان می‌دهند. در این نظریه، دولت‌ها به توپ بیلبارد تشبیه می‌شوند. از این رو، در تحلیل و بررسی‌های صورت گرفته، از تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی که در امور داخلی و منطقه‌ای و تاریخی میان کشورها وجود دارند، صرف نظر کرده‌ایم و در چارچوب تأثیرات ساختار نظام بین‌الملل، روابط جمهوری اسلامی ایران با روسیه را بررسی خواهیم کرد.

الف) مبادلات تجاری و اقتصادی

روابط اقتصادی ایران و روسیه همواره یکی از نقاط برجسته و مورد تأکید مقامات و رهبران دو کشور بوده است. البته این روابط هیچ وقت به میزان مورد رضایت دو طرف نبوده است. حجم تجارت خارجی بین ایران و روسیه پیرامون یک تا سه میلیارد دلار در سال در نوسان بوده است. مقدار صادرات ایران به روسیه در سال‌های مختلف هیچگاه به یک میلیارد دلار نرسیده است. با در نظر گرفتن اینکه مقدار صادرات ایران به افغانستان حدود سه تا چهار میلیارد دلار و به عراق بیش از شش میلیارد دلار بوده، روسیه به عنوان بزرگترین همسایه ایران، سهم کمتری در مقایسه با دیگر همسایگان ایران دارد. با نگاهی به حجم تجارت دو کشور می‌توان دریافت که تجارت خارجی دو کشور در سطح قابل

قبولی نیست. مقامات هر دو کشور بر این باورند که با وجود محدودیت‌ها، ظرفیت‌های خالی برای توسعه همکاری‌ها وجود دارد. صادرات ایران به روسیه در سال ۱۳۹۳ برابر ۲۸۶ میلیون دلار بوده که ۰/۷۸ درصد از کل صادرات ایران را تشکیل می‌دهد. سهم ایران از کل واردات روسیه ۰/۰۹ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۳ کل مقدار صادرات ایران نسبت به سال ۱۳۸۳ تقریباً به نصف کاهش یافته است در حالی که طی این ده سال صادرات ایران به روسیه حدود ۶۰٪ افزایش داشته است (امیراحمدیان، ۱۳۹۴). پس از برجام، اما خبرها نشان از افزایش قابل توجه در روابط اقتصادی ایران و روسیه دارد.

۳۹

امضاء نقشه راه توسعه روابط ایران و روسیه در افق همکاری ۴۰ میلیارد دلاری، یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها برای ارتقاء روابط اقتصادی دو کشور بوده است. طبق نقشه راه تنظیم شده، دو کشور با راهبرد اتکاء به یکدیگر برای تأمین نیازهای بازار داخلی، درصدد استفاده از مزیت‌ها و تولیدات در ایران و روسیه هستند تا هم‌زمان با کاهش هزینه تمام شده، به دلیل هم‌مرز بودن (دریایی)، زمینه ارتباط بیشتر و گسترش روابط را رقم بزنند. از جمله دستاوردهای خوب و تأثیرگذار در این توافقات، آمادگی بانک مرکزی روسیه برای همکاری بانکی با ایران می‌باشد که می‌تواند موتور محرکی در توسعه روابط اقتصادی بین دو کشور باشد. برنامه پیشنهادی روسیه برای سرمایه‌گذاری و تجارت با ایران تا ۴۰ میلیارد دلار، ایجاد یک خط اعتباری ۵ میلیارد دلاری از طرف روسیه و خط اعتباری ۲ میلیارد دلاری ونش اکونوم بانک به بانک مرکزی ایران، اقدام مثبتی در ایجاد تحرک بین شرکتهای اقتصادی و تجاری می‌باشد (نادری، ۱۳۹۴).

در این راستا، از سال ۲۰۱۴ و پس از دو سال کاهش در همکاری‌ها، روابط دوجانبه ۵ درصد در مقایسه با سال گذشته افزایش یافت و مبادلات تجاری دو کشور به ۱,۷ میلیارد دلار رسید که شامل حوزه انرژی و تسلیحات نیز می‌شد (Magry & Peteghella, 2015:100). در این زمینه T نماینده اتاق بازرگانی و صنعت روسیه در ایران اعلام کرده که حجم مبادلات تجاری ایران و روسیه در سال ۲۰۱۶ در مقایسه با سال پیش از آن، به لطف رفع موانع تجاری، ۷۰ درصد افزایش یافته و ایران تنها ۳۰۰ میلیون دلار مواد خوراکی به روسیه صادر کرده است. ارزش مبادلات دوجانبه ایران و روسیه در سال گذشته به ۲,۲ میلیارد دلار رسید که بیشتر آن شامل صادرات ماشین‌آلات، تجهیزات، بخش حمل و نقل، مواد غذایی و فلزات روسیه به ایران بوده است (ماکسیموف، ۱۳۹۶).

ب) ترانزیت و حمل و نقل

مسأله ترانزیت و ایجاد مسیرهای امن و کوتاه حمل و نقل کالا، خدمات و مسافر یکی از حوزه‌های سنتی همکاری میان ایران و روسیه بوده است. در این زمینه، موقعیت چهارراهی ایران T پتانسیل بسیار ارزشمندی است که در بیشتر اظهارنظرها درباره ایران، چه از دیدگاه ایرانی و چه غیرایرانی، به آن اشاره می‌شود. ساختارهای زیربنایی حمل و نقل (ریلی و جاده‌ای) و بنادر و خدمات بازرگانی همچون تخلیه و بارگیری و ذخیره‌سازی و توزیع ایران دارای ظرفیت‌های مناسبی است. یکی از این زیرساخت‌ها و فضای آن، «کریدور بین‌المللی ترانزیت شمال- جنوب» است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پروژه بین‌المللی کریدور بین‌المللی ترانزیت شمال- جنوب در سال ۲۰۰۰ توسط روسیه، هند و ایران با هدف ایجاد یک راه‌گذر کوتاه‌تر از مسیر حمل و نقل کنونی دریایی کانال سوئز، به منظور کاهش زمان حمل و نقل، و کاهش هزینه‌های تجارت کالا، تأسیس شد. بعدها بلاروس، قزاقستان، تاجیکستان، عمان، ارمنستان، آذربایجان، اوکراین، قرقیزستان و ترکیه به این پروژه پیوستند. اما در مسیر اجرای این پروژه طی ۱۵ سال موانعی پیش‌آمد که تحریم‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ایران یکی از این موارد بود. ایران تنها پس از لغو تحریم‌ها، توانایی فعال‌سازی این کریدور را دارا خواهد بود (امیراحمدیان، ۱۳۹۵: ۱۸۹:۱۹۰) و روسیه نیز بنا بر منافع زیادی که دارد، علاقه‌مند به آن است.

در نشست سه‌جانبه ایران، روسیه و آذربایجان در باکو و تهران نیز یکی از مهم‌ترین محورهای گفتگوی طرفین، فعال‌سازی کریدور حمل و نقل شمال- جنوب بوده است. اصلی‌ترین سرمایه‌گذاری این مسیر در حال حاضر بر روی مسیرهای حمل و نقل ریلی استوار است. برنامه‌های مشترک توسعه خطوط ریلی روسیه و ایران می‌تواند علاوه بر این دو کشور، برای کشورهای آسیایی و اروپایی نیز منافع متعددی به دنبال داشته باشد. در صورت تکمیل برنامه مشترک توسعه خطوط ریلی، روسیه و ایران، کشورهای آسیایی و اروپایی می‌توانند با استفاده از این خطوط ریلی محصولات خود را با سرعت بیشتر و با هزینه کمتر به مقصد برسانند. کشور روسیه در زمینه توسعه خطوط ریلی یکی از پیشروترین کشورها محسوب می‌شود. در حال حاضر بیش از ۸۵ درصد از نقل و انتقال

بار در این کشور، از طریق خطوط ریلی گسترده انجام می‌گیرد
(<http://moqavemati.net>).

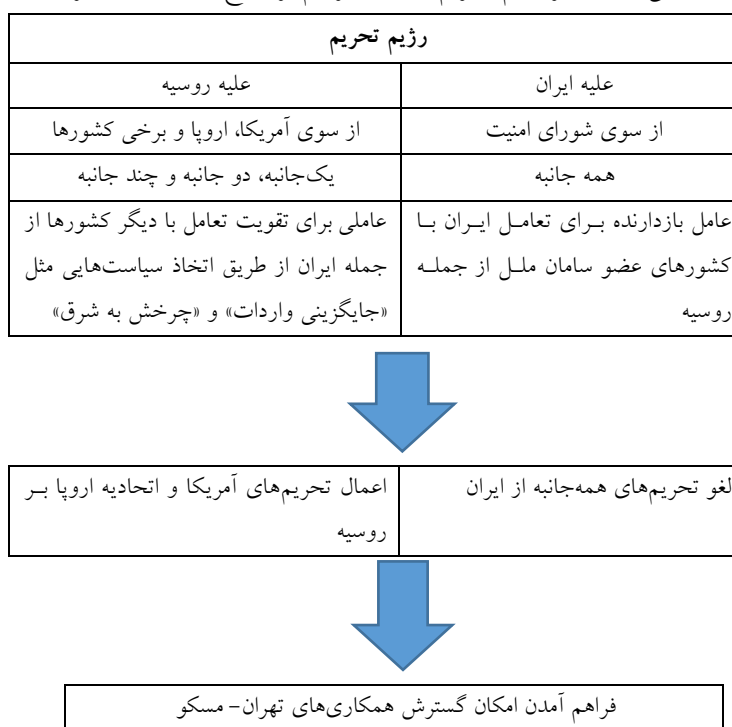
ج) حوزه انرژی

ایران و روسیه از بزرگترین دارندگان منابع انرژی به خصوص نفت و گاز در جهان می‌باشند. با تحلیل زمینه‌های همگرایی در دیپلماسی انرژی ایران و روسیه در سطح روابط دوجانبه، روشن می‌شود که این دو کشور با دارا بودن بالاترین سهم از مجموع منابع طبیعی نفت و گاز جهان، موقعیت منحصربه‌فرد ایران در جنوب غرب آسیا و دسترسی بی‌واسطه به آبراه‌های بین‌المللی و مالکیت توأمان ذخایر چشمگیر نفت و گاز در دو حوزه استراتژیک خلیج فارس و دریای خزر، و جایگاه روسیه به عنوان بزرگترین دارنده و صادرکننده گاز جهان که از نفوذ سیاسی بالایی در سطح جهانی برخوردار می‌باشد، می‌توانند در عرصه انرژی در سطوح جهانی، منطقه‌ای و دوجانبه نقش بی‌بدیلی ایفا نمایند. این ظرفیت‌های همکاری و همگرایی در کنار توجه بیشتر به تبادل و سوآپ انواع حامل‌های انرژی به ویژه نفت و گاز و برق و حتی آب، و همچنین همکاری برای شکل دادن به یک نظام قیمت‌گذاری برای گاز طبیعی، امنیت تقاضا، جذب سرمایه برای توسعه میداین‌گازی و نحوه تعامل با مصرف‌کنندگان، می‌تواند زمینه‌های همگرایی بین دو کشور را تقویت نماید (اسلامی، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

در دوره تحریم‌ها، ایران مشکلات بسیار زیادی برای واردات صنایع و تجهیزات با تکنولوژی بالا برای افزایش صادرات خود و همچنین فروش نفت و گاز در بازارهای جهانی داشته است. پس از برجام و با تعهد به برداشته شدن تحریم‌ها، امکان افزایش صادرات انرژی ایران فراهم شد. البته باید اشاره کرد ایران و روسیه با توجه به اینکه هر دو از صادرکننده‌های نفت و گاز هستند، با هم رقابت شدیدی نیز دارند. با این وجود، در فضای پس از برجام، دو کشور همکاری‌های زیادی نیز در زمینه نفت و گاز داشته‌اند. امضای نقشه راه همکاری ایران و روسیه در بخش انرژی، یکی از مهمترین همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه انرژی بوده است. این نقشه بر اساس سطح عالی همکاری میان دو کشور و با تأکید بر فعالیت ثمربخش گروه کاری ایران و روسیه در زمینه انرژی تنظیم شده است (تاجیکی، ۱۳۹۶). علاوه بر این، در دوران پس از برجام قراردادهای زیادی در حوزه

انرژی میان ایران و روسیه امضا شده است. به گفته ایگور سچین، مدیر شرکت دولتی روس نفت روسیه، قرارداد این شرکت با شرکت ملی نفت ایران، اولین گام قبل از انعقاد یک قرارداد «لازم الاجرا» جهت مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز ایران در طی چند سال آینده است. بر اساس برآوردهای اولیه، مقدار کل سرمایه‌گذاری‌ها در این پروژه‌ها مجموعاً ۳۰ میلیارد دلار خواهد بود. این پروژه‌ها پس از تکمیل شدن ظرفیت تولید انرژی را به ۵۵ میلیون تن نفت در سال خواهند رساند (<https://www.tasnimnews.com>).

الگوی تحلیلی رابطه تاثیر رژیم تحریم‌ها بعد از برجام بر سطح همکاری‌های ایران و روسیه



منبع: کرمی و کرامتی‌نیا، ۱۳۹۵: ۷۴

طی سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ میلادی، شرایط اقتصاد بین‌الملل و تعاملات خارجی دو کشور ایران و روسیه به سمتی پیش رفت که امیدها برای چرخش در ارتباطات اقتصادی فیما بین افزایش یافت. با کاهش قیمت نفت، شروع بحران اوکراین و فشارهای غرب بر

روسیه، روابط و تبادلات این کشور با دیگر کشورها از جمله چین بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش داشته است؛ در حالیکه روابط تجاری ایران با روسیه نه تنها کاهش نداشته بلکه از رشد ۵ درصدی نیز برخوردار بوده است. از سوی دیگر، در جمهوری اسلامی ایران نیز پس از روی کار آمدن دولت یازدهم، که مدعی تنش زدائی و توجه به گسترش روابط بین‌الملل بود، همکاریهای دولتمردان دو کشور از سطح بالائی برخوردار گردید. رفت و آمد مقامات و هیاتهای اقتصادی و تجاری فزونی یافت و مذاکرات برای تامین نیازهای بازار روسیه در بخشهای محصولات کشاورزی، شیلات، فرآورده‌های پروتئینی، شیر و فرآورده‌های لبنی و همچنین گوشت و فرآورده‌های آن به انجام رسید.

۴۳

پژوهش‌های بین‌المللی روابط ایران

تأثیر تحریم‌های
ایالت متحده
آمریکا بر روابط
اقتصادی دو جانبه
ایران و روسیه

۳. تأثیر تحریم‌های پس از خروج آمریکا از برجام، بر روابط اقتصادی ایران و روسیه طرفداران رابطه ایران و روسیه معتقدند که روابط ایران و روسیه وجوه دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، که در سطوح اخیر تابع شرایطی متحول و دخالت مؤلفه‌های گوناگونی است که در بسیاری موارد در اختیار مستقیم تهران و مسکو نیستند. اما روابط دو جانبه دو کشور با اراده متقابل می‌تواند در هر شرایطی توسعه یابد. اگر ارزش این رابطه دوجانبه برای هر دو کشور افزایش یابد، جهت‌گیری در مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی به هم نزدیک‌تر خواهد شد. در دیدگاه روس‌ها نیز رابطه دوجانبه به عنوان دریچه‌ای برای نزدیکی و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی دیده می‌شود. آنان مایل به حضور ایرانی قدرتمند در غرب آسیا هستند که قادر به مقاومت در برابر اهداف و سیاست‌های آمریکا و اروپا و متحدان آنها در منطقه باشد (Haines, 2015). از دید رهبران روسیه، ایران بازیگری سازگار و همراه در پاسخ به دغدغه‌ها و نگرانی‌های روسیه در "خارج نزدیک" بوده است. رهبران ایران و روسیه به‌خوبی می‌دانند با وجود زمینه‌های گوناگون برای همکاری دو کشور، در عرصه‌هایی چون انرژی و انتقال آن، به‌ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز رقابت‌های جدی و غیرقابل‌انکاری را پیش رو دارند (Khajepour, 2012, 17).

خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های جدید بر ایران، یکی از موضوعاتی است که به‌طور جانبی پیامدهای متعدد و متنوعی می‌تواند بر روند همکاری‌های آتی ایران و روسیه داشته باشد. از یک منظر می‌توان گفت که هدف اصلی آمریکا از خروج از برجام

و اعمال تحریم‌های جدید بر ایران، اثرگذاری بر توان کنشگری ایران در سطح منطقه بوده است. این مسئله قطعاً به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر انگیزه و تمایل روس‌ها برای همکاری با ایران در سطح منطقه‌ای اثر خواهد گذاشت.

مجموعه منطقه فدراسیون روسیه، در سال ۲۰۱۸ با جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف روابط تجاری - اقتصادی داشته است. مسکو، استان‌های آستراخان و راستوف، شهر سنت پترزبورگ، استان‌های سوردلوفسک، مسکو، لیتسک و وولگدا، سرزمین‌های پرم و استاوراپل مناطق پیشتاز در این بخش هستند. حوزه فدرال مرکزی، طبق آمار سال ۲۰۱۸، در حجم کل بازرگانی خارجی نقش برتر را ایفا می‌کند. حوزه‌های فدرال جنوبی، شمال شرقی، ولگا، اورال، قفقاز شمالی، سبیری و خاور دور، به دنبال آن در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. حجم بازرگانی اکثر مناطق روسیه با ایران در سال ۲۰۱۸ در مقایسه با سال قبل حدود ۲،۳٪ رشد داشته است. در عین حال، ۶۰٪ کل بازرگانی خارجی روسیه با ایران در سال ۲۰۱۸ به ۴ منطقه روسیه - شهرهای مسکو و سنت پترزبورگ و استان‌های آستراخان و راستوف - اختصاص داشته است. همزمان، قریب به ۷۲ درصد کل واردات، به مسکو، استان‌های مسکو و سوردلوفسک و ۶۰٪ صادرات از شهرهای مسکو، سنت پترزبورگ، استان‌های آستراخان و راستوف بوده است (عیاری، ۲۰۱۹).

بنابر آمار گمرکی روسیه، حجم بازرگانی روسیه و ایران در سه ماهه اول سال ۲۰۱۹ در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۱۴ درصد افزایش یافته و به ۵۴۲ میلیون دلار رسیده است. در چارچوب حقوقی و قراردادی جدید، همکاری مناطق فدراسیون روسیه و استان‌های جمهوری اسلامی ایران بهبود می‌یابند. هم‌اکنون هفت موافقتنامه همکاری بین مناطق روسی و ایران وجود دارند. استان ولگاگراد با استان مازندران، استان سوردلوفسک با استان همدان؛ استان چلیابینسک با استان زنجان، جمهوری چوواشیا با استان قزوین؛ استان آستراخان با استان خوزستان، شهر سنت پترزبورگ با شهر اصفهان، و استان آستراخان با استان گیلان رابطه برقرار می‌کنند. در مورد متن تفاهم نامه بین استان ساراتوف روسیه با استان کرمانشاه ایران و توافقنامه دولت استان ساراتوف با استانداری مازندران، مذاکرات مربوطه در حال انجام می‌باشند. سنت پترزبورگ قصد راه انداختن

همکاری با طرف ایرانی در حوزه‌های زیر را دارد: کشتی سازی غیرنظامی، از جمله به روز کردن کارخانجات کشتی سازی، تجهیز آنها با تجهیزات تولید شده در سنت پترزبورگ، طراحی مراکز کشتی سازی جدید، کشتی سازی و تمرین پرسنل (همان).

از طرفی، تأثیر تحریم‌های آمریکا پس از خروج از برجام را می‌توان در ترک برخی شرکت‌های روسی در ایران مشاهده نمود. بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت روسیه تصمیم گرفته ایران و ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مشترک ایران و روسیه را در پروژه‌های نفت و گاز ترک کند. به گزارش اوایل پرایس، در ماه نوامبر سال گذشته، روس‌نفت و شرکت ملی نفت ایران نقشه راهی برای همکاری استراتژیک در نفت و گاز ایران امضا کردند. ایگور سچین، مدیر اجرایی روس‌نفت گفت که این همکاری شامل ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مشترک می‌شود. در همان زمان رسانه‌های روسیه از قول سچین اعلام کردند که دو طرف به زودی چندین قرارداد دیگر امضا می‌کنند و کل تولید این پروژه‌ها سالانه معادل ۱/۱ میلیون بشکه نفت در روز است. با این وجود، اخیراً روس‌نفت در مورد شراکت خود در ایران تجدید نظر کرده است. دلیل آن هم تحریم‌های آمریکا بر بخش نفت ایران و تغییر استراتژی روس‌نفت برای تمرکز بر رشد تولید در روسیه است. روس‌نفت تنها شرکت روسی نیست که پروژه‌های ایران را به خاطر تحریم‌های آمریکا رها می‌کند. لوک اوایل، دومین تولیدکننده بزرگ نفت روسیه نیز در ماه مه اعلام کرد که طرح‌های خود برای توسعه پروژه‌هایش در ایران را به تحریم‌های آمریکا معلق کرده است (روزنامه دنیای اقتصاد ۱۳۹۷/۰۹/۲۵).

پیش از این نیز "زاروبژ نفت" چند روز مانده به شروع تحریم‌ها اعلام کرد که این شرکت به خاطر تحریم‌ها از ایران می‌رود. گفتنی است یک شرکت ایرانی به نام «دانا انرژی» در کنسرسیومی به رهبری «زاروبژنفت» قراردادی با شرکت نفت ملی ایران برای توسعه مجدد میادین نفتی آبان و پایدار غربی امضا کرد که تخمین زده می‌شد هزینه سرمایه‌ای آن حدود ۷۴۰ میلیون دلار بوده است. از این رو می‌توان دریافت که شرکت‌های روسی یکی پس از دیگری فعالیت خود را در ایران متوقف می‌کنند؛ این در حالی است که همچنان بسیاری از مقامات کشور بر این باورند که همکاری با روس‌ها می‌تواند مشکلات صنعت نفت را حل کند (فرج‌الهی، ۱۳۹۷).

خروج آمریکا از برجام با وجود این که برای بسیاری از کشورها و شرکت‌های بین‌المللی به ویژه اروپایی که در ایران فعالیت می‌کنند یا به حضور در ایران علاقه‌مند هستند، سخت، پرهزینه و ناراحت‌کننده بوده است، اما برای معدودی از کشورها و شرکت‌ها، بهانه و دلیل خوبی است که همکاری‌ها و مناسبات خود را با ایران متوقف کنند؛ مناسباتی که بیش از آن که بر منطق اقتصادی و تجاری استوار باشد، تحت تأثیر ملاحظات و الزامات سیاسی و در قالب تکلیف سیاسی یا رودربایستی سیاسی شکل گرفته است. البته میزان و تعداد این نوع همکاری‌ها و مناسبات در دنیای امروز کم است و هر چقدر امواج جهانی شدن گسترده‌تر می‌شود، از میزان آن بیشتر کاسته می‌شود؛ چرا که همکاری اقتصادی و تجاری، قواعد و منطق خاص خود را دارد و از ملاحظات سیاسی گریزان است. تنگنا و محدودیت قدرت مانور اروپایی‌ها در قبال ایران و برجام نیز از این واقعیت نشأت می‌گیرد (سلطانی، ۱۳۹۷). با این وجود و با توجه به مباحثی که مطرح شد و به دلیل عدم دسترسی به اسناد منتشر شده از سوی دو کشور، قطع به یقین می‌توان گفت که روابط اقتصادی دو کشور با توجه به ترک چند شرکت روسی از ایران، کاهش نیافته است.

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند در جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها نقش قابل توجهی ایفا کند، همکاری‌های اقتصادی و استراتژیک است. در تاریخ مناسبات ایران و روسیه، که پیشینه آن به صدها سال پیش باز می‌گردد، همواره تعاملات اقتصادی یکی از اجزای مهم این روابط بوده که گاهی از سطح توسعه مناسبات سیاسی پیش افتاده و گاهی بسیار عقب مانده است. به عبارت دیگر، تعاملات اقتصادی و تکنولوژیکی در شرایط جدید یکی از مهمترین عوامل گسترش همکاری میان کشورها تلقی می‌شوند. اگرچه کشور روسیه همسایه مستقیم ایران نمی‌باشد، ولی گستردگی حوزه‌های همکاری بین دو کشور در حوزه‌های مختلف اقتصادی، تجاری، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگی آنچنان وسیع می‌باشد که منافع ملی دو کشور را در حوزه‌های مختلف به یکدیگر گره زده است. همچنین از نظر نباید دور داشت که روابط ایران و روسیه همواره با نگاه

امنیتی همراه بوده است؛ نگاهی که بر تمام زمینه‌های اقتصادی و سیاسی سایه افکننده و همچنان سنگینی می‌کند. ایران و روسیه علیرغم وجود ذهنیت‌های مشوش از یکدیگر، در حوزه‌های مختلف روابط خویش را با شدت و ضعف ادامه داده‌اند. در این زمینه، تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران، بر روابط اقتصادی دو کشور نیز تأثیرگذار بوده است. در دو دهه اخیر، مناسبات اقتصادی تهران و مسکو در زمینه‌های گوناگون تجاری، انرژی، حمل و نقل فنی و صنعتی در جریان بوده و به شکل روزافزونی ادامه داشته است. روابط اقتصادی ایران و روسیه تا پیش از برجام از فراز و نشیب بسیاری برخوردار بوده است و سیاست روسیه تا پیش از برجام، همگام با اعمال تحریم‌های غربی علیه ایران، و همسو با ایالات متحده آمریکا بوده است. با این وجود، بعد از خروج آمریکا از برجام، روابط اقتصادی ایران و روسیه تقویت گردیده است. از طرفی خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های جدید بر ایران، مسیرهای محدود همکاری‌های اقتصادی میان ایران و روسیه را با دشواری‌ها و دست‌اندا‌زهای جدیدی مواجه کرده است. بلافاصله پس از اعلام خروج آمریکا از برجام، شرکت‌های نفتی روسیه از مشارکت در طرح‌های خود در ایران دست کشیدند و مانند بسیاری از شرکت‌های غربی از بازار ایران خارج شدند، اما همچنان روابط اقتصادی ایران و روسیه سیر صعودی خود را طی کرده است.

منابع

- اسلامی، مسعود. (۱۳۹۱). «دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی»، *راهبرد*، سال بیست‌ویکم، شماره ۶۴.
- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، بخش آمار صادرات و واردات، قابل دسترسی از : <http://www.tccim.ir>, Accessed
- امیدی، علی. (۱۳۹۰). «چالش‌های ساختاری روابط راهبردی ایران و روسیه: سلطه‌ستیزی ایرانی و عمل‌گرایی روسی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال چهارم، شماره ۸.
- امیراحمدیان، بهرام. (۱۳۹۵). *تحول موقعیت راه‌های حمل و نقل و ترانزیت جمهوری اسلامی ایران برای همکاری منطقه‌ای در همکاری‌های ایران و روسیه: ابعاد و*

چشم‌انداز، زیر نظر ایگور ایوانف و محمود شوری، تهران: انتشارات موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).

بالازاده، زهره و دیگران. (۱۳۹۴). «بررسی واکنش ایران به چالش‌ها و تحریم‌های بین‌المللی از منظر سازه‌انگاران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال هشتم، شماره ۳۲.

باین، نیکلاس و استفان وولکاک. (۱۳۸۸). *دیپلماسی اقتصادی نوین: تصمیم‌گیری و محاصره*، ترجمه محمدحسن شیخ‌الاسلامی.

تاجیکی. (۱۳۹۶). امضای نقشه راه همکاری ایران و روسیه در بخش انرژی، قابل

دسترسی در سایت: <https://ana.ir/fa/news/51/184677>

حاجی یوسفی، امیر محمد. (۱۳۸۴). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱)*، چاپ دوم، تهران: وزارت امور خارجه.

خبرگزاری تسنیم. (۱۳۹۶/۰۸/۱۲)، قرارداد ۳۰ میلیارد دلاری ایران و روسیه برای

همکاری نفتی در ۴ حوزه،

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/08/12/1563639>، تاریخ

دسترسی: ۱۳۹۶/۹/۲۱.

دانش نیا، فرهاد. (۱۳۹۱)، *دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا ابزارهای*

موفقیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران در اقتصاد جهانی، *فصلنامه مطالعات*

راهبردی جهانی شدن، شماره ۹.

روزنامه دنیای اقتصاد، تاریخ چاپ: ۲۵/۰۹/۱۳۹۷ - شماره خبر: ۳۴۷۵۲۹۱، شماره

روزنامه: ۴۴۹۷.

زارعی هدک، معصومه و دیگران. (۱۳۹۴). «اوراسیاگرایی روسیه، بنیادها، اندیشه و نتایج

و تأثیر آن در رابطه روسیه و ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵»، *فصلنامه پژوهش‌های*

روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیستم.

سعیدی، ابراهیم. (۱۳۹۵). *بررسی تاثیر بحران سوریه بر سیاست داخلی لبنان*، پایان

نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

سلطانی، علیرضا. (۱۳۹۷). سایت خوان روزنامه دنیای اقتصاد تاریخ انتشار: ۲۰/۰۳/۱۳۹۷ ۰۸:۴۹ شماره خبر: ۳۳۹۸۵۳۱، قابل دسترسی در سایت: <https://donya-e-eqtasad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B> عیاری، علیرضا. (۲۰۱۹). *مجموعه مقالات "Regional Russia"*، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).

فرج اللهی، هاتف. (۱۳۹۷). روسیه و چین از تحریم ایران سود می برند، قابل دسترسی در سایت: <https://asre-eghtesad.com/energy/cat-2/50187>

۴۹ کرمی، جهانگیر؛ کرامتی‌نیا، رقیه. (۱۳۹۵). «سیاست خارجی روسیه و پرونده هسته‌ای ایران از تحریم تا برجام»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۵.

کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۸). *روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه (عصر نوین همکاری‌ها)*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

ماکسیموف، الکساندر. (۱۳۹۶/۰۱/۲۹). روابط تجاری ایران و روسیه برابر شد، <http://www.afkarnews.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4>

منظور، داوود؛ مصطفی‌پور، منوچهر. (۱۳۹۲). «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات»، *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ویژه‌نامه کارنامه اقتصادی دولت، سال یکم، شماره ۲.

نادری، ذبیح‌الله. (۱۳۹۴/۱۰/۱۲). روابط اقتصادی ایران و روسیه در دوره پساتحریم، <http://www.iras.ir/fa/doc/note/909>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۰۹/۲۱.

نصری، قدیر. (۱۳۸۶). «روش شناخت در مکتب نئورئالیسم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دهم، شماره دوم، تابستان.

نفیو، ریچارد. (۱۳۹۷). هنر تحریم‌ها نگاهی از درون میدان (ویرایش دوم)، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، شماره مسلسل ۱۵۸۶۱،

واعظی، محمود. (۱۳۸۷). راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، چاپ اول، ترجمه: محمود واعظی، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران: مرکز پژوهش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام.

ولی‌زاده، اکبر. (۱۳۹۰). رهیافتهای نظریه‌های کارآیی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی، فصلنامه سیاست، دوره ۱۴، شماره ۱ بهار. ۱.

Aghabakhshi, Ali & Afsharirad, Mino. (1995). Encyclopedia of Political Sciences, Iran Studies and Documentation Center, Tehran[in Persian]

Blagov Sergei. (2017). Alliance with Syria tightens Russia's Ties with Iran, Asia Times, available at: www.atimes.com/article.

Cornelius Adebahr, "Easing EU Sanctions on Iran," Atlantic Council, June 2014, http://www.atlanticcouncil.org/images/publications/Easing_EU_Sanctions_on_Iran.pdf.

Federica Mogherini, "The Iran Nuclear Deal Is a Success— and the Whole World Is Safer For It," Guardian, January 17, 2017, <https://www.theguardian.com/commentisfree/2017/jan/17/iran-nucleardeal>

Freedman, Robert O. (2006). Russia, Iran and The Nuclear Question: The Putin Record, The Strategic Studies Institute (SSI). available at: <http://StrategicStudiesInstitute.army.mil>.

Guoji, Guanxi (2001). Security Dilemma, Balance of Power, Contemporary International Relations. available at: www.uscc.gov/researchpapers, (accessed on 12.10.2011)

Haines, John R. (2015). Russia, Iran, and the (Increasingly) Lonely Superpower, Foreign Policy Research Institute, March 17, available at: <https://www.fpri.org/article>.

Krasner Stephen (1982). Regimes and the Limits of Realism: Regims as Autonomous Variables, International Organization, Vol. 36, No. 2
Katz, Mark (2010), "Russian-Iranian Relations in the Obama Era". **Middle East Policy**, Vol. XVII (2), pp: 62–69.

Khajehpour Bijan. (2012). The Role Of Economic & Energy Relations With Turkey And Russia In Iran's National Strategy, available at: https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files.

Kozhanov, Nokolay. (2015). Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations. available at: <http://carnegieendowment>
Magri, Paolo, Perteghella, Annalisa, (2015), Iran After the Deal: the Road Ahead, Milano: ISP

Mamedova, Nina. (2016). "Trade and Economic Relations between Iran and Russia: Potential and Realization, Russia-Iran Partnership: An Overview and Prospects for the Future". (S.L.). **Institute for Iranian Studies and Eurasia (IRAs)**. Pp. 132-143.

Naray, O. (2008). Commercial Diplomacy: A Conceptual Overview. World Conference of TPOs The Hague The Netherlands

- Nossal, Kim Richard. (1989). "International Sanctions as international punishment", *International Organization*, vol 43, no 2. Pp 301-322
- Ploae, C. (2010). (n.d.). Recent trends of Commercial Diplomacy in the Balkans Area
- Peterson. Susan and Tierney. Michael J.(2005), "Teaching and Research Practices", Views on the Discipline, and Policy Attitudes of International Relations Faculty at U.S. Colleges and Universities
- Riccardo Alcaro, "Learning From a Troubled Experience—Transatlantic Lessons from the Nuclear Standoff with Iran," *International Spectator: Italian Journal of International Affairs* 46, no. 4 (December 2011): <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/03932729.2011.628102>, 115–36
- Resende-Santos, Joao. (2007). *Neorealism, States, and the Modern Mass Army*. New York: Cambridge University Press.
- Rittberger, Volker. (2001). *German Foreign Policy Since Unification: Theories and Case Studies*. Manchester: Manchester University Press.
- Selwyn J.V. Moons (2013), Economic Diplomacy Works: A metaanalysis of its effect on international economic flows, Erasmus University Institute of Social Studies and Ministry of Foreign Affairs
- Trenin, Dmitri, Malashenko, Alexey, (2010), **Iran: a view from moscow**, Washington, D.C: Carnegie Endowment for International Peace.
- Takeyh, Ray and Suzanne Maloney (2011) "The Self-limiting Success of Iran Sanctions" *International Affairs*, Vol. 87, No. 6, 1297-1312
- Waltz. Kenneth N. (2012), "Political Realism Wins James Madison Lifetime Achievement Award In Political Science", Columbia University, Retrieved 25 April.
- Zahrani, Mostafa (1997), Economic Sanctions from Theory to Practice, *Journal of Foreign Policy*, Vol. 11, No. 11, Spring[in Persian]